

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در رابطه :

## پاکستان، مرکز و حامی تروریسم



نشر: انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در رابطه:

پاکستان، مرکز و حامی تروریسم



شناسنامه کتاب :

عنوان: پاکستان، مرکز و حامی تروریسم

ناشر: انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تاریخ نشر: ماه نومبر سال 2018

ویراستار: قاسم آسمایی

صفحة انترنیٹی انجمن حقوقدانان افغان در اروپا:

<http://hoqooq.eu>

صفحة انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در فیسبوک:

<https://www.facebook.com/hoqooq>

## بجای مقدمه

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله خارجی است، تصفیه حساب قدرتهای رقیب در اوج جنگ سرد که کشور ما بحیث نطع آن قربان گردید و تداوم کشمکش های جیوپولوتیک رقبای بین المللی و منطقه پی و جنگ های نیابتی، در دور جدید بازیهای بزرگ، جنگ خانمانسوز را تداوم بخشیده است

درین راستا و یک بخش اساسی از عامل دوام مصیبت و کشتار، همانا ادامه جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد که از (۱۹۷۵ م) با تجهیز و تسلیح و فرستادن گروه های خرابکار بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان آغاز یافته و درین چهل و دو سال به اشکال متفاوت جریان دارد

پاکستان از گروه های تروریستی بمثابه ابزار دستیابی به اهداف بلند مدت سیاست خارجی خود استفاده مینماید، تا عمق ستراتژیک را بدست آورند و پلانهای جنرال ضیا الحق مبنی بر «مرگ با هزار زخم» و «کابل باید بسوزد» را ورای همین امیال مطرح نموده است

در احوال کنونی افزون بر طالبان، تا بیست گروه تروریستی و شرارت پیشه، بشمول داعش که در افغانستان فعال میباشند، مورد حمایه استخبارات آنکشور قرار دارند. درین هفده سال حضور گسترده نظامی امریکا وسازمان ناتو، پاکستان با اجرای نقش دوگانه (سی و پنج ملیارد دالر را بحساب «پیمانکار» تصاحب و همزمان برکت سیاست کجدار و مریز امریکا و انگلیس به سازماندهی مجددطالبان و و گروه های تروریستی، جنگ اعلام نا شده را تداوم بخشیده و افغانستان اماج جنایت علیه بشریت قرارگرفته و همه روزه تروریستان با کشتار اهالی ملکی جنایات جنگی و ضد بشری تکرار میگردد (حسب گزارش انستیتوت اقتصاد و صلح تنا در سال پار (۱۴۴۲) حادثه تروریستی در افغانستان (انجام یافته که تا پنج هزار تلفات جانی و هزاران زخمی داشته است

پاکستان در تمام این مددت بیشتر از چهار دهه در برابر شکایات و اعتراضات جانب افغانی که دوسیه قطوری را در مراجع ذیربط بین المللی و شورای امنیت ملل متحد، بوجود آورده است، با

لطایف الحیل راه انکار از حقایق و خاک زدن بچشم جهانیان را پیش برده است و اما قتل اوسامه بن لادن در اسلام آباد و به تعقیب آن مرگ مرموز و قتل ملا منصور در انکسور ، طشت رسوای شانرا از بام انداخت و امریکا و اعضای ناتو نیز که به قیمت خون سربازان شان ووقوع حملات تروریستی در کشور های شان ، زهر ترورپروری را احساس کرده اند ، بالاچار به حقانیت ادعای افغانستان ، لاقدر در حرف اعتراف و اما درین سه ما بعد از اعلام ستراتیژی جدید رییس جمهور امریکا ، ما شاهد کدام اقدام اساسی بخاطر نابودی مراکز تروریستان نبوده ایم سوال دارایی اهمیت اصولی که مشروعیت اخلاقی امریکا و متحدان آنرا ، مورد شک قرار میدهد این است که در صورتیکه اوسامه و ملا منصور واجب القتل اند ، با میزبان و حامیان چه برخورد باید انجام گیرد ؟

افغانستان قربانی تروریسم و آماج جنایات علیه بشریت قرار دارد وهمه روزه مردم ملکی در جنایات جنگی و ضد بشری تلف میگردند که بر طبق میثاقهای بین المللی بحیث جرایم بین المللی تعریف گردیده اند

بدینرو مردم مظلوم افغانستان حق دارند وجدان جامعه بین المللی را مخاطب ساخته و بخاطر حق حیات افغان و حق گذار افغانستان به شاهراه صلح و ترقی دادخواهی نمایند و از سازمان ملل متحد و شورای امنیت و به ویژه از اعضای دایمی آن مطالبه نمایند که ارزشهای جهانی مندرج در میثاقهای بین المللی و احکام منشور ملل متحد را بر مصالح سیاسی مرجع دانسته و به قربانیان تجاوز و ترور و مردم به عزا نشسته که طولانی ترین جنگ را متحمل و مسولیت اخلاقی شما در قبال شان اظهر من الشمس است؛ عطف توجه نمایند و به نخستین پله تقرب به صلح که همانا نابودی مراکز ترور است، تدابیر عملی اتخاذ و دولت پاکستان بحیث حامی تروریستان تعریف و مورد تعزیرات جدی بین المللی قرار گیرد.

بر اساس این تعزیرات باید جزالان و رهبران سیاسی و نظامی که مجری پلان های استخبارات نظامی آنکشور بوده و یا میباشند در فهرست سیاه شامل و تدابیر بخاطر محاکمه شان اتخاذ گردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا امیدوار است که نشر این مجموعه که حاوی یکتعداد اسناد و اعلامیه مبنی بر الزام حقوقی علیه پاکستان میباشد ، بتواند در بعد حقوقی، در خدمت داعیه برحق دفاع از افغان و افغانستان ، در امر شریفانه دادخواهی بخاطر معرفی پاکستان بحیث مرکز و حامی تروریسم، قرار گیرد.

هست و بود افغانستان در گرو برقراری صلح میباشد و صلح در دوام جنگ اعلام نشده پاکستان و مراکز تروریستی در انگشور ، حتی در حضور یک ملیون عساکر ناتو یک سراب خواهد بود ، بدینرو بسیار ضرور است تا افغانان متعهد به وطن و مردم با عقلانیت این واقعیت دردناک را درک و دریک گفتمان همجانیه و با چنگ زدن به مصالح عمومی ، منشور ملی مقابله با پاکستان را بمثابه دشمن تاریخی و همسایه تعویض نا پذیر ، طرح و بخاطر تحقق ان صادقانه تلاش نمایند.

با حرمت

میر عبدالواحد سادات

رییس انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## بجای مقدمه

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله خارجی است، تصفیه حساب قدرتهای رقیب در اوج جنگ سرد که کشور ما بحیث نطع آن قربان گردید و تداوم کشمکش های جیوپولوتیک رقبای بین المللی و منطقه پی و جنگ های نیابتی ، در دور جدید بازیهای بزرگ ، جنگ خانمانسوز را تداوم بخشیده است

درین راستا و یک بخش اساسی از عامل دوام مصیبت و کشتار ، همانا ادامه جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد که از ( ۱۹۷۵ م ) با تجهیز و تسلیح و فرستادن گروه های خرابکار بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان آغاز یافته و درین چهل و دو سال به اشکال متفاوت جریان دارد

پاکستان از گروه های تروریستی بمثابة ابزار دستیابی به اهداف بلند مدت سیاست خارجی خود استفاده مینماید ، تا عمق ستراتژیک را بدست آورند و پلانهای جنرال ضیا الحق مبنی بر « مرگ با هزار زخم » و « کابل باید بسوزد » را ورای همین امیال مطرح نموده است

در احوال کنونی افزون بر طالبان، تا بیست گروه تروریستی و شرارت پیشه، بشمول داعش که در افغانستان فعال میباشد، مورد حمایت استخبارات آنکشور قرار دارند. درین هفده سال حضور گسترده نظامی امریکا و سازمان ناتو، پاکستان با اجرای نقش دوگانه ( سی و پنج میلیارد دالر را بحساب « پیمانکار » تصاحب و همزمان برکت سیاست کجدار و مریز امریکا و انگلیس به سازماندهی مجدد طالبان و و گروه های تروریستی ، جنگ اعلام نا شده را تداوم بخشیده و افغانستان اماج جنایت علیه بشریت قرار گرفته و همه روزه تروریستان با کشتار اهالی ملکی جنایات جنگی و ضد بشری تکرار میگردد ( حسب گزارش انستیتوت اقتصاد و صلح تنا در سال پار ( ۱۴۴۲ ) حادثه تروریستی در افغانستان (انجام یافته که تا پنج هزار تلفات جانی و هزاران زخمی داشته است

پاکستان در تمام این مددت بیشتر از چهار دهه در برابر شکایات و اعتراضات جانب افغانی که دوسیه قطوری را در مراجع ذیربط بین المللی و شورای امنیت ملل متحد ، بوجود آورده است ، با لطایف الحیل

راه انکار از حقایق و خاک زدن بچشم جهانیان را پیش برده است و اما قتل اوسامه بن لادن در اسلام آباد و به تعقیب آن مرگ مرموز و قتل ملا منصور در انکسور ، طشت رسوای شانرا از بام انداخت و امریکا و اعضای ناتو نیز که به قیمت خون سربازان شان و وقوع حملات تروریستی در کشورهای شان ، زهر تروریوری را احساس کرده اند ، بالاچار به حقانیت ادعای افغانستان ، لااقل در حرف اعتراف و اما درین سه ما بعد از اعلام ستراتیژی جدید رییس جمهور امریکا ، ما شاهد کدام اقدام اساسی بخاطر نابودی مراکز تروریستان نبوده ایم سوال دارایی اهمیت اصولی که مشروعیت اخلاقی امریکا و متحدان آنرا ، مورد شک قرار میدهد این است که در صورتیکه اوسامه و ملا منصور واجب القتل اند ، با میزبان و حامیان چه برخورد باید انجام گیرد ؟

افغانستان قربانی تروریسم و آماج جنایات علیه بشریت قرار دارد وهمه روزه مردم ملکی در جنایات جنگی و ضد بشری تلف میگردند که بر طبق میثاقهای بین المللی بحیث جرایم بین المللی تعریف گردیده اند

بدینرو مردم مظلوم افغانستان حق دارند وجدان جامعه بین المللی را مخاطب ساخته و بخاطر حق حیات افغان و حق گذار افغانستان به شاهراه صلح و ترقی دادخواهی نملایند و از سازمان ملل متحد و شورای امنیت و به ویژه از اعضای دایمی آن مطالبه نمایند که ارزشهای جهانی مندرج در میثاقهای بین المللی و احکام منشور ملل متحد را بر مصالح سیاسی مرجع دانسته و به قربانیان تجاوز و ترور و مردم به عزا نشسته که طولانی ترین جنگ را متحمل و مسولیت اخلاقی شما در قبال شان اظهر من الشمس است؛ عطف توجه نمایند و به نخستین پله تقرب به صلح که همانا نابودی مراکز ترور است، تدابیر عملی اتخاذ و دولت پاکستان بحیث حامی تروریستان تعریف و مورد تعزیرات جدی بین المللی قرار گیرد

بر اساس این تعزیرات باید جنرالان و رهبران سیاسی و نظامی که مجری پلان های استخبارات نظامی آنکشور بوده و یا میباشند در فهرست سیاه شامل و تدابیر بخاطر محاکمه شان اتخاذ گردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا امیدوار است که نشر این مجموعه که حاوی یکتعداد اسناد و اعلامیه مبنی بر الزام حقوقی علیه پاکستان میباشد ، بتواند در بعد حقوقی، در خدمت داعیه برحق دفاع از افغان و افغانستان ، در امر شریفانه دادخواهی بخاطر معرفی پاکستان بحیث مرکز و حامی تروریسم ، قرار گیرد.



## پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

---

هست و بود افغانستان در گرو برقراری صلح میباشد و صلح در دوام جنگ اعلام نشده پاکستان و مراکز تروریستی در انگشور ، حتی در حضور یک میلیون عساکر ناتو یک سراب خواهد بود ، بدینرو بسیار ضرور است تا افغانان متعهد به وطن و مردم با عقلانیت این واقعیت دردناک را درک و دریک گفتمان همجانبه و با چنگ زدن به مصالح عمومی، منشور ملی مقابله با پاکستان را بمتابه دشمن تاریخی و همسایه تعویض نا پذیر ، طرح و بخاطر تحقق ان صادقانه تلاش نمایند

با حرمت

میر عبدالواحد سادات

رئیس انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## کمپاین بزرگ بر ضد نقش پاکستان به حیث یکی از عوامل منازعه

در یک کمپاین بزرگ بر ضد نقش پاکستان بحیث یکی از عوامل منازعه و آشوب در کشور ما و تقویه تروریزم بین المللی همصدا شوید!

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از شما هموطنان عزیز صمیانه تقاضا مینماید تا بر مبنای منافع ملی، مصالح علیای کشور و دفاع از افغان و افغانستان در راه اندازی یک کمپاین مشترک با ما شریک گردیده از این اقدام پشتیبانی نمایید.

از آنجائیکه مسئله نقش دولت پاکستان بحیث یک رژیم خطرناک برای امن وثبات منقطوی و بین المللی و مرکز تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن تروریزت، در محراق توجه سیاست های منطقوی، بین المللی و اخصاً شورای امنیت ملل متحد قرار گرفته است؛ بجا و به موقع است تا ما همه در یک کمپاین مشترک و بزرگ بر ضد سیاست های تروریزتی پاکستان و اقدامات آن دولت بر علیه امنیت ملی، منطقوی و بین المللی شریک گردیم.

پاکستان بحیث یک کشور غیر "طبعی" و مخلوق استراتیژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب و منازعه بوده به تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن مبادرت ورزیده، بصورت سیستماتیک از تروریزم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

در اوضاع کنونی نقش دولت پاکستان بحیث ناقض منشور ملل متحد، حامی تروریزم و رکن شرارت بین المللی بیشتر از هر زمان دیگر برجسته گردیده و بحیث شناخته شده ترین ناقض منشور ملل متحد و تعهدات بین المللی میباشد. دستگاه استخبارات پاکستان بزرگترین مرکز تولید فکر انتحاری و کشتن دگر اندیشان و مرکز پرورش شرارت پیشگان شریربین المللی بوده مسئولیت قتل و ترور افغانان را عهده دار میباشد. همچنان دولت پاکستان و اجیران آن جرایم سنگین را در افغانستان مرتکب شده اند و افغانستان را به بزرگترین قربانی تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده خویش مبدل ساخته است.

## پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

---

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از هموطنان قدرمند ما در داخل و خارج کشور، نهاد های سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی، جامعه مدنی و مدافعان وطن و مردم تقاضا مینماید تا بحیث یک داعیه ملی صدایی اعتراض همزمان شانرا در یک کمپاین بزرگ در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و در این داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظر داشت اختلافات قومی ، مذهبی ، ایدیولوژیک و سلیقه ها همزمان سهیم گردید. هیأت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## پاکستان مرکزوحامی تروریسم بین المللی

پاکستان بحیث یک کشور غیر "طبعی" ومخلوق استراتژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب و منازعه بوده ورمزبفای خودرا در خفقان داخلی ودشمنی با همسایه گان جستجو نموده وبخصوص بعد از کودتای نظامی جنرال ضیاالحق (۱۹۷۷ م.) بحیث حلقه اساسی در «کمربند سبز» و «نقاب جمهوری اسلامی» به تربیه، تجهیز وتسلیح گروه های دهشت افکن مبادرت ورزیده وبه صورت سیستماتیک از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

افغانستان از بدو خلقت نامیمون پاکستان در راستای نقش خصمانه وتاریخی این کشور در معرض دسایس اسلام آباد (که عضویت پیمانهای نظامی را حاصل کرده بود) قرار داشته وبأ اعلام جمهوری (۱۹۷۳ م) آماج جنگ اعلام ناشده آنکشور قرارگرفته و تا اکنون ادامه دارد.

از همان جمهوری اول تاکنون جنگ اعلام نا شده پاکستان به اشکال و شیوه های مختلف ودر نقشهای متفاوت از تربیه، تسلیح وصدور خرابکاران گرفته تا تبدیل شدن آن بحیث «تخته خیز» دراوج جنگ سرد، طرح کنفدراسیون وجنگهای تنظیمی دهه نود میلادی، رول بازی نموده است وهمچنان تلاش دستگاه نظامی . استخباراتی پاکستان بخاطر تسلط مستقیم در وجود طالبان، بخاطر تثبیت عمق استراتژیک، بی ثبات سازی وتضعیف افغانستان دریک ونیم دهه اخیر، صورت گرفته وادامه دارد. (ارائه دلایل در رابطه به این حقایق آفتابی، بحیث اثبات "کفرابلیس" تحصیل حاصل پنداشته میشود).

### پاکستان ناقض منشور ملل متحد وتعهدات بین المللی :

نظام بین المللی معاصر ملهم و استوار بر یک اصل قبول شده بی حقوق بین المللی میباشد Pacta Sunt Servanda. تعهد باید اجرا گردد) که اعضای سازمان ملل متحد متعهد ومکلف به اجرای آن میباشند. اما در عمل دولت پاکستان در قبال تعهدات خود در برابر جامعه بی جهانی عمل نکرده ودر رابطه به افغانستان درمجموع وبخصوص بعد از عقد موافقت نامه ژینو (۱۹۸۸ م) وتا اکنون، هیچگاهی به تعهد، وعده ووعید خویش وفا نکرده است.

پاکستان هم عضو سازمان ملل متحد است و هم با پروپی منشور آن و دیگر اصول قبول شده حقوق بین المللی را نقض مینماید؟

پاکستان هم عضو جامعه جهانی است و هم از خاک آنکشور به جهان تروریست صادر میکند؟

پاکستان هم «شریک استراتژیک» امریکا است و هم جنگ اعلام نا شده را با هم پیمان آن کشور (افغانستان) ادامه میدهد؟ بدینترتیب مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) دولت و رهبران پاکستان زیر سوال رفته است!

آیا بسیار سوال برانگیز نیست؟

که درین پانزده سال اخیر حضور گسترده امریکا و ناتو در افغانستان، پاکستان میلیاردها دالر را زیرنام همکاری مبارزه برعلیه «تروریسم» تصاحب نموده است، در حالیکه رهبران و مراکز سازمانهای تروریستی در داخل آنکشور فعال می باشد.

امریکا بخاطر اسامه بن لادن سردسته شرارت پیشگان القاعده به افغانستان هجوم نظامی نمود و چند سال بعد سر وکله تروریست شماره یک، از اسلام آباد پیدا گردید، برسر ملا عمر آخوند ده ملیون دالر جایزه تعیین گردیده بود، اما نامبرده در "خانه های امن" کراچی زندگی و بشکل مرموز در شفاخانه های آن شهر بقتل رسید و جلسات بخاطر تعیین اخلاف آن علنی و با حضور صدها تن در پاکستان دایر گردید.

معمای اقامت و قتل سردسته شرارت پیشگان، تشت رسوایی پاکستان را از بام انداخته است و اکنون با کشته شدن ملا منصور در پاکستان، دیگر هیچ وجدان بیدار شک نخواهد داشت که پاکستان مرکز و دولت آنکشور حامی تروریسم می باشد. شانزده بار سفر ملا منصور به امارات متحده عربی و یکبار به ایران با پاسپورت رسمی پاکستانی و با نام جعلی، بیان عین واقعیت است که رهبر و حلقه دست اول رهبری طالبان نه تنها در پاکستان از مصئونیت کامل برای سازماندهی جنگ و حملات مرگبار تروریستی بر ضد ملت و مردم افغانستان برخوردار هستند، بلکه آنها درتبانان مستقیم و تحت چترحمایتی آی اس آی برای ادامه فعالیت های تخریبکارانه برضد دولت، مردم و حاکمیت ملی افغانستان تدارکات مالی را از طریق " کاریدور "، امارات متحده عربی فراهم و سازماندهی نموده و مینمایند. ( البته در این یادداشت پیرامون

چگونگی قتل آنان بحث صورت نگرفته است. ) زمانیکه اسامه وملا منصور واجب القتل است، سزای میزبانان « مهربان » وحامیان چه خواهد بود؟ وقت آن رسیده است که جامعه جهانی و بخصوص انگلیس و امریکا به این سوال جواب بدهند !

### پاکستان مرکز تروریسم بین المللی :

اسناد معتبر بین المللی از سازمان ملل متحد وتا وزارت های خارجه اعضای دایمی شورای امنیت (بخصوص وزارت خارجه امریکا)، سایر کشورها و مطبوعات جهانی گویای این حقیقت است که سرخ بسیاری ازحوادث دهشتبار تروریستی از کابل، تابمبی، دارالسلام، چیچین، سینکیانگ وتا نیویارک به پاکستان گره میخورد. پاکستان مکان امن برای شرارت پیشه گان جهان گردیده و سردسته های سازمانهای تروریستی در«خانه های امن آی اس آی» مصروف طراحی عملیات وحملات دهشتبارمیباشند وبرای تعیین « رهبران » و نظم ونسق امورجلسات علنی وتا چندصد تن رادایریمینمایند.(همین اکنون ده ها سازمان تروریستی مشمول لیست سیاه سازمان ملل متحد ووزارت خارجه امریکا در پاکستان علنی فعال بوده ومورد حمایت آی اس آی قرار داشته، تسلیح وتجهیز میگردند .

### پاکستان بحیث مرکز تولید فکر انتحاری وکشتن دگر اندیشان:

تعداد مدارس، مراکز و « نهادهای خیریه» در پاکستان که اندیشه های بنیادگرایانه اسلامی، کافرکشی ، سیف الاسلام، انتحار وقتل دگرانديشان را ترویج میدهند تا به ده ها هزارمیرسد واكثریت آنهایکه توسط مولانا های خبیث آنکشوررهبری میشوند، زیر چتر محافظتی آی اس آی و بقایای اندیشه جنرال ضیاالحق در اردو قرار دارند.

### پاکستان مرکز پرورش شرارت پیشگان شریبین المللی :

طی چهل سال اخیر بیشتر از دوصدهزار تروریست عرب وعجم از کشورهای مختلف در مدرسه های تروریست سازی پاکستان پرورش یافته ورهبران سازمانهای تروریستی که برسر آنان جوایزتعیین گردیده، درین کشورکسب تجربه کرده اند (اوسامه،ایمن الظواهری،ابوبکریدغادی، ملاعمر، ملامنصور، ملا هیبت اله وده ها تن دیگر دراین ردیف قرار دارند واز امتیازات «خانه های امن آی.اس. آی» مستفید گردیده اند)

### استخبارات نظامی پاکستان مسئولیت قتل وترورافغانان را عهده دارمیباشد :

در داخل وخارج پاکستان تعداد زیادی از شخصیت های معروف افغان توسط آی اس آی ویا بدستور اجیران آن بقتل رسیده اند،(پوهاند شمس الدین مجروح، چیتزایی ، غروال، عبدالحکیم کتوازی و ده ها تن دیگر. اکنون دیگر حضورجنرال اسلم بیگ در شب شهادت داکترنجیب الله رئیس جمهور اسبق یک

راز نمیباشد. در چند سال اخیر آنچه رهبران طالبان که خط قرمز اصول مافیایی روابط (آی اس آی) طالبان) را نقض کرده اند، زندانی و به اشکال مرموز بقتل رسیده اند.

دولت پاکستان و اجیران آن جریم سنگین را در افغانستان مرتکب شده اند: درین مدت تداوم جنگ اعلام نشده، پاکستان عامل اولی و اساسی تراژیدی خونبار افغانستان می باشد، مداخلات آنکشور دلیل وهبانه مداخلات نظامی شرق و غرب پنداشته میشود.

درین چهاردهه ملیون ها هموطن ما نابود، معلول، معیوب، یتیم و بیوه گردیده اند و ده ها ملیارد دالر بکشور ما خسارت رسیده و مناطق زیاد تخریب ویا مانند پایتخت به تل خاک مبدل گردیده است. غنایم و آثار ملی و تاریخی تاراج و یا مانند بت های بامیان تخریب گردیده است

. . تاسیسات دولتی و اردوی ملی افغانستان نابود گردیده است .

جنایات ضد بشری، جنایات جنگی، نقض حقوق بشرو قتل وکشتار اهالی ملکی دوام دارد. درچند ماه گذشته هر روز در افغانستان فاجعه کریلا، صبراً و شطیلا برپا است .

از قرار معلوم پاکستان در ولایات ننگرهار و پکتیکا در اینطرف خط نام نهاد دیورند مراکز عسکری ایجاد کرده است .

تداوم و تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان مانع اصلی گذار کشور ما به شاهراه ترقی می باشد . در برابر اینهمه جنایات، تجاوز و تشدید جنگ اعلام نشده چه میتوان کرد؟

ختم جنگ اعلام نا شده و دستیابی به صلح با تگدی بدست نمی آید و چنانچه گفته اند: حق داده نمیشود، حق گرفته میشود .

افغانستان قربانی تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده بی پاکستان :  
مطابق به احکام منشور سازمان ملل متحد « دولت قربانی باید اعلام نماید که مورد تجاوز قرار گرفته است »

بدینرو دولت افغانستان باید بمثابة کشور قربانی اعمال پاکستان، هرچه عاجل دوسیه جنایات ناشی از جنگ اعلام نا شده آنکشور در وجود طالبان وشرکای شانرا تنظیم وبه شورای امنیت س.م.م و دیوان عدالت بین المللی ارجاع نماید.

دولت باید به شورای امنیت پیشنهاد نماید تا: به اساس اصول منشور م. م. م اصل (united nations sancations) را مطابق احکام فصل هفتم منشور ملل متحد و بر اساس اصل « تهدید صلح ، نقض صلح وعمل تجاوز » در مورد پاکستان بررسی و تطبیق نماید تا پاکستان بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابة حامی تروریسم برطبق اصل (Legal Settlement Sancation) مورد تعزیرات بین المللی قرار گیرد. این تعزیرات باید شامل قطع کمکهای نظامی و مشروط ساختن مجموع کمکها به نابودی تروریستان و تحقق اصول و پرنسیپ های جهانی و قبول شده بی حقوق بین المللی گردد .

### مراکزسلاح اتمی پاکستان منبع خطرناک تهدید جهانی :

در احوالی که پاکستان مرکزشرارت بین المللی است وخطرناکترین سردسته ها وسازمانهای مخوف تروریستی و دشمنان تمدن بشری در ارتباط تنگاتنگ با اردو وآی اس آی فعال میباشد ودولت سابقه جرمی دولت پاکستان درنقض موافقت نامه ( N . P . T ) که پدر بمب اتمی آنکشور عندالمحاکمه بدان اعتراف نمود ، بسیار ضرور است تا شورای امنیت سازمان ملل متحد بخاطر نظارت وتحت پوشش قراردادن فعالیت اتمی پاکستان اقدام نماید .

### وظایف دشوار، اما بسیار ضروری ومبرم :

. دولت باید با سازمان ناتو وکشورهای انگلستان وایالات متحده امریکا که تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان معلول سیاست های کجدار ومریز آنان است و براساس پیامهای استراتژیک، مکلف به دفاع قاطع می باشند، مذاکرات سازنده را آغاز نماید. تداوم تراژیدی خونبار افغانستان مسئولیت اخلاقی ( Moralobligation) آنان راکه در قبال افغانستان اظهرمن الشمس میباشد، با سوالیه بزرگ مواجه ساخته است؟ مسئولیت جانب امریکا در قبال تراژیدی خونبار مردم ما در استغاثه سناتوران وسخنان قبل از انتخابات دولتمردان ، ویا هر چند سال کشتن یک سردسته تروریستان خلاصه نمیشود ( که کفره اعمال انتقامجویانه را مردم بی گناه وبی دفاع با خون فرزندان شان بپردازند. ) افغانان باید صداقت گفتار، درمبارزه با تروریسم را( لاقبل بخاطرانتقام خون دوهزار وپنجصد سربازشان) درسرکوب قاطع آنان در مراکز اصلی شان ( پاکستان ) مشاهده نمایند.



دولت باید با کشورهای اتحادیه اروپا، حقایق قربان شدن افغانستان را مطرح و در جلب همنوایی آنان تلاش وسیع انجام دهد.

بسیار ضرور است تا دولت کار وسیع را با اعضای دایمی شورای امنیت، همسایگان و قدرتهای بزرگ منطقه مانند چین، روسیه و هندوستان دنبال و در رابطه به مسایل جاری افغانستان و بحث بر عواقب زیانبار استفاده ابزاری از گروه های دهشت افکن بخاطر مقاصد جیوپولوتیک و تشدید جنگ های نیابتی، سازماندهی نماید.

آیا دولت افغانستان توانایی انجام این رسالت تاریخی را دارد؟

پاشنه آشیل افغانستان ضعف اقتدار ملی است. "مردم بزرگ" که بار طولانی ترین جنگ تاریخ را متحمل گردیده اند، با "رهبران کوچک" مواجه می باشند، رهبرانی که به مردم باور ندارند و فراموش کرده اند که: د خلکوزور، د خدای زوردی و از تشخیص مصالح کشور و منافع ملی عاجز می باشند و درگیرودار تقسیم « قدرت » بوده و قوای مسلح را درین مقطع حساس بحساب قوم و گروپ تقسیم مینمایند که کفاره آنرا سربازان قهرمان و هموطنان مظلوم با خون شان میپردازند و پای دشمن سفاک را تا مقر پارلمان، شفاخانه چهارصد بستر و قول اردوی ولایت بلخ رسانیده اند.

رهبران دولت وحدت ملی که پای شان در ترازوی مشروعیت می لنگد، بخاطر جبران این نقیصه باید برای کسب و جاهت ملی تلاش نمایند. این وجاهت فقط و فقط با جنگ زدن به منافع ملی و دفاع قاطع از وطن و جان و ناموس مردم بدست میآید. دستیابی به این مأمول زمانی سراب نخواهد بود که قانون را ملاک عمل قرار بدهند، استقرار حاکمیت قانون یگانه راه تحکیم قدرت دولتی پنداشته شود.

این هدف بزرگ فقط با پشتیبانی مردم ممکن خواهد بود و برای کسب کمک مردم باید تعریف دقیق از منافع ملی با شناخت از جیوپولیتیسیم بین المللی و منطقه داشته باشیم و بر مبنای همین تعریف استرژیتی امنیت ملی و چگونگی مقابله در برابر پاکستان را مشخص بسازیم و « منشور مقابله با پاکستان » را در دایره کلان ملی تدوین نماییم. دستیابی به این مأمول شریف ملی از ما می طلبد تا مصالح کلان کشوری را فدای بازی های خورد پوپلیستی و پیش کشیدن شعارهای غیر عملی و با انگیزه های قومی، نه نماییم.

در همچو حالت یک دولت کارا میتواند با دیپلوماسی فعال بحیث پارتنر در سطح بین المللی و منطقه، منافع افغانستان را دفاع و پاکستان نیز با عزم و احتیاط حرفش را تحویل بگیرد.

چنین دولت که کارا خواهد بود در برابر مخالفان مسلح برخورد دقیق را در وجود یک سند تقنینی که حالت حقوقی افراد و گروپ های مسلح که به پروسه صلح میپیوندند ، تنظیم و مطابق آن برای صلح بحیث هدف والای ستراتیژیک اقدام نماید .

### داعیه ی ملی :

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با نظر داشت این واقعیت که افغانان قلب مشترک (وطن مشترک) دارند، با مراجعه به هموطنان عزیز در داخل وخارج کشور، نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه مدنی ومدافعان وطن ومردم صمیمانه میخواهد تا در دفاع از هست وبود وطن، صدای اعتراض شانرا در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و ازین داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظرداشت اختلافات قومی، مذهبی، ایدیولوژیک وسلیقه ها، دفاع وبه جهانیان ثابت نمایند که وطن وسرزمین افغانان عمق ستراتیژیک پاکستان ومیدان جنگ های نیابتی نه بلکه همسایه متساوی الحقوق ونیک میباشد .

با احترام هیئت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

**Statement of Afghan Lawyers' Association in Europe in relation with the murder of**

**Mullah Mansour, leader of Taliban**

۲۰۱۶-۰۶-۱۲

**Pakistan – Violator of UN Charter, Haven and Supporter of Terrorism, and a Pillar of International Viciousness:**

As an “unnatural” country, and a creation of the colonial strategies, Pakistan has always been a cause of conflict and turbulence during the entire period of its existence. It has always sought the secret of its survival in stirring internal disturbances and conflicts within its neighboring countries. It especially acquired such an evil stance after the military coup of 1979, when it became the main ring in the “green belt”, put on the “masque of Islamic republic”, started training, equipping and arming terrorist groups. It has systematically used terrorism as an instrument of its foreign policy.

Afghanistan has fallen a victim of the conspiracies of Islamabad from the very beginning of the unfortunate birth of Pakistan (which had already joined the aggressive military pacts), and particularly became target of an undeclared war after the establishment of the republic of 1973, which is still going on.

Ever since the very establishment of the first republic till the moment, the undeclared war of Pakistan has continued in various methods and different roles, from training, arming and exporting subversive elements, to serving as a “jumping board” during the climax of the cold war, the conspiracy of forming a confederation, and the factional fights of the 90s. Likewise, starting from the past one and a half decade, the military-intelligence apparatus of Pakistan has been striving hard to exercise direct control via the Taliban with a view to reaching the

strategic depth, and destabilizing and weakening Afghanistan which still continues. (Introduction of proof for these shining facts will be the same like proving “devil’s infidelity” which is needless to be proven).

**Pakistan – violator of UN Charter and international commitments:**

The contemporary international order is inspired by and based on an accepted principle of the international law (“*Pacta Sunt Servanda*” – agreements must be kept), which the UN member countries are obliged to observe. However, in practice the Pakistani government has never honored its commitments against the international community. It has so far generally failed to fulfil its commitments against Afghanistan, and particularly after the conclusion of the Geneva Accords of 1988. On one hand, Pakistan is a UN member country, and on the other hand it recklessly beaches the UN Charter and other accepted principles of the international law. Pakistan is a member of the international community, but terrorists are exported to the world from the soil of that country. Pakistan is a “strategic partner” of America, but it still continues an undeclared war against another country (Afghanistan) which is also in a coalition with America. Hence, the Moral Obligation of the government and the leaders of Pakistan has seriously come under question!

Isn’t this questionable:

- That during the past fifteen years of presence of America and the NATO in Afghanistan, billions of dollars have been acquired by Pakistan under the name of cooperation in the fight against “terrorism”, while the leaders and the bases of terrorist organizations are active within the territory of that country.
- That America invaded Afghanistan because of Osama bin-Laden, the ring leader of al-Qaeda villains, but some years later, the man showed up Islamabad.
- That America announced a head-price of 10 million dollars for Mullah Mohammad Omar Akhund, but it was revealed that the said person resided in “the safe homes”

in Karachi, and was mysteriously murdered in the hospitals of that city. The meetings to choose his successors were publicly held, and attended by hundreds in Pakistan.

The enigma of the stay and murder of the leader of the villains displayed a scandalous ignominy for Pakistan. And now, with the murder of Mullah Mansour in Pakistan no vigilant conscience can doubt anymore that Pakistan is the center, and its leaders are supporters of terrorism. The fact that Mullah Mansour made sixteen trips to the United Arab Emirates and one to Iran with official Pakistani passport and with a false name is a solid evidence in itself that the leader and the first leadership ring of the Taliban are not only enjoying full immunity in Pakistan enabling them to carry on fight and bloody terrorist attacks against the people of Afghanistan, but being in collusion and under direct protection umbrella of the ISI continue subversive activities against the state, people and national sovereignty of Afghanistan, the financial arrangements of which are supplied via the "corridor" of the United Arab Emirates.

When Osama and Mullah Mansour are regarded as death-deserving, then what shall be the punishment for their "kind" hosts and protectors?

**The time has arrived for the international community, and especially the Britain and America to answer this question!**

**Pakistan – a safe haven for international terrorism:**

Credible international documents, including those in the UN and the foreign services of the permanent members of the UN Security Council (particularly the US State Department), and other countries and international media clearly reveal the fact that most of the horrible terrorist incidents – from Kabul to Mumbai, Jerusalem, Chechnya, Sinkiang, New York, etc. find their origin in Pakistan. Pakistan has turned into a safe haven for all the villainous forces of the world, where leaders of the terrorist organizations, while residing in "the safe homes of

ISI", are engaged in planning terrorist attacks and operations, making arrangements for holding public meetings for many hundreds to select their "leaders". (At present, hundreds of terrorist organizations that are included in the black list the United Nations and the US State Department, are openly active in Pakistan, and are being supported, armed and equipped by ISI).

**Pakistan – center of fostering concept of suicide and killing political opponents:**

The number of madrassas, "charity centers and organizations" that are engaged in spreading the ideas of Islamic fundamentalism, killing non-Muslims, *Saif-ul-Islam* (sword of Islam), suicide and killing political opponents exceeds tens of thousands, most of which are led by the evil clergymen of that country who carry their activities under the protective umbrella of ISI, the remnants of Gen. Zia ul Haq, and the army.

**Pakistan – a training center of international evil-doers:**

During the past forty years, more than two hundred thousand Arab and non-Arab terrorists from various countries have been trained in the terrorist-producing furnaces of Pakistan, and the leaders of terrorist organizations, with rewards announced for their heads, have gained experience in this country (Osama, Ayman al-Zawahiri, Abu-Bakr Baghdadi, Mullah Omar, Mullah Mansour, Mullah Haibatullah, and tens of others are among them who enjoyed the privilege of being sheltered in the "safe homes" of ISI).

**Military intelligence of Pakistan bears responsibility of murder and terror of Afghans:**

A large number of prominent Afghan personalities have been assassinated, inside or outside Pakistan by ISI, or its mercenaries (Prof. Shamsuddin Majrooh, Chinzaï, Gharwal, Katawazi, and tens of others). The presence of Gen. Aslam Beg in the night of martyrdom of Dr. Najibullah, the former president of Afghanistan is no more a secret. In recent years, those

Taliban leaders who crossed the red line of mafia principle in ISI-Taliban relations were imprisoned and murdered mysteriously.

**Pakistani government and its mercenaries committed serious crimes in Afghanistan:**

- Pakistan, during the period of continuation of the undeclared war, has been the first and fundamental factor behind the bloody tragedy of Afghanistan. Interferences of this country are considered the reason and excuse for the interventions of the east and the west in Afghanistan.
- During the past four decades, millions of our compatriots have been martyred, disabled, orphaned or widowed; tens of millions of dollars of loss has been inflicted on our country, many areas have been destroyed and razed to ground, including the capital of the country.
- The wealth and historical monuments have been plundered or destructed, such as the Bamyán statue.
- Government establishments and the national army were destroyed.
- Crimes against humanity, war crimes, violation of human rights and murdering civilians are continuing.
- Since some months, everyday Afghanistan experiences Karbala, Sabra and Shatila.
- As per the information, Pakistan has erected military establishments in this side of so-called Durand line in Ningarhar and Paktika provinces.

- Continuation of aggravation of undeclared war of Pakistan is the main hindrance of our country's transition to the path of development.

**What can be done against all these crimes, aggression and the aggravation of undeclared war?**

Putting an end to the undeclared war and attaining peace cannot be achieved through beggary. As a saying says: **right is not given, it is taken!**

**Afghanistan – a victim of aggression and aggravation of the undeclared war of Pakistan:**

As per the Charter of the United Nations “the victim country must declare that it has been subjected to aggression”. Therefore, as a victim of the actions of Pakistan, the government of Afghanistan must, as urgently as possible, arrange the dossier of the crimes of Pakistan emanated from its undeclared war which is carried through the Taliban and their partners, and forward it to:

- The UN Security Council and the International Court of Justice.

The government of Afghanistan shall propose to the Security Council that:

As per the provisions of the UN Charter, to consider and implement the principle of “United Nations Sanctions” as provided for in chapter seven of the UN Charter in regard to Pakistan as an “action with respect to threats to the peace, breaches of the peace, and acts of aggression” in order to subject Pakistan, as a supporter of international terrorism, to international sanctions in accordance with the principle of “Legal Settlement Sanctions”. Such sanctions must include stoppage of military aid, and connecting all



assistances to the elimination of terrorists and the observance of all the internationally accepted principle of the international law.

**Pakistani nuclear sites – sources of serious international threat:**

In a situation where Pakistan is the center of international villainy, and the most dangerous leaders and horrible terrorist organizations and enemies of human civilization are active there with close connection with its army and the ISI, and while that country has the precedence of neglecting the (T.P.N.) agreement (as admitted by the father of nuclear bomb of Pakistan during his trial), it is very necessary that the UN Security Council takes measures for the supervision and covering the nuclear activity of Pakistan.

**Difficult, but extremely vital duties:**

- The Afghan government needs to start constructive negotiations with the NATO, the UK and the US, as the aggravation of the undeclared war is the outcome of their negligent and uncertain policies, and who are duty-bound to decisive defense in accordance with the Strategic Accord. Continuation of the bloody tragedy of Afghanistan seriously questions their moral legitimacy.

The responsibility of America verses the tragedy of Afghanistan cannot be fulfilled only with the cries of senators or the pre-elections words of the statesmen, or the murder in some years of a leader of the terrorists (the price of the subsequent acts of vengeance for which is paid by our innocent and defenseless people with the blood of their children). Afghans need to see honesty in the fight against terrorists, in categorically smashing them up in their original birthplace (Pakistan).

- The Afghan government must propound the facts about the victimization of Afghanistan with member countries of European Union and make vast efforts to secure their support.
- It is much vital that the government maintain all-round contacts with the neighboring countries and regional powers such as China, Russia and India and propose an urgent meeting of these countries in regard with the current issues of Afghanistan.

### **Is Afghan government capable of carrying on this historic mission?**

The Achilles heel of Afghanistan is its weak national management. A "great people" who bore the burden of the longest war of the history confront "small leaders", leaders who do not trust the people, and have forgotten that "the power of people is the power of God", leaders who are incapable of identifying the national interests and what is good for the country; they are deeply engaged in the strife of "power" division, and division of the armed forces of the country, in the current sensitive moment, in ethnic and factional lines.

The leaders of the national unity government, who suffer from the questionability of their legitimacy, need to make efforts towards attaining national credibility to compensate this shortcoming. Such a credibility can only be achieved via grasping the national interests, and crucially defending the homeland, lives and honor of the people. Attaining this goal will not be a mirage anymore when the deeds are based on the law, and the rule of law is recognized as the only means of consolidation of state power.

Such a great ideal can only be materialized with the support of the people, and to achieve the support of the people, we need to have a clear definition of the national interests and a precise knowledge of international and regional geopolitics, devise the national security strategy and determine how to cope with Pakistan in the light of this

definition. It is only through an active diplomacy that the Afghan government can defend the interests of Afghanistan as a partner in international and regional levels, and to compel Pakistan to listen to it with prudence and discretion.

Such a government shall be a competent one. It shall have a reasonable stance towards its opponents in the form a legislative document which shall define the legal status of individuals and groups who join the peace process, and to strive for bringing about peace as a strategic goal.

**The national cause:**

The Afghan Lawyers' Association in Europe, mindful of the fact that all Afghans have a common heart (common homeland), respectfully calls upon all fellow countrymen inside and outside the country, the political, social and cultural entities, the civil society and the defenders of the homeland and the people to raise their cries of protest against the aggravation of the undeclared war of Pakistan, to champion this legitimate national cause of Afghanistan, regardless of any ethnic, religious, ideological and other differences, and to prove to the world that the homeland of the Afghans is not a strategic depth of Pakistan, but is an equal and a good neighbor of Pakistan.

With regards,

Leadership Board, the Afghan Lawyers' Association in Europe

## اعلامیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

### پاکستان حامی تروریسم

پاکستان به حیث مرکز تروریسم، سالهاست که خطرات جدی را متوجه جهان ساخته است. نه تنها افغانستان از سال ۱۹۷۳ میلادی ببعده بزرگترین قربانی این مرکز تروریستی است، بلکه سرخ حوادث تراژیدی از نیویارک تا بمبئی و از دارالسلام تا یمن و روسیه، به شبکه های مرتبط به القاعده ارتباط داده شده است که رهبری آن در پاکستان مورد حمایت استخبارات و نظامیان آن کشور قرار دارد. قتل سردسته اربعیون القاعده (اسامه بن لادن) در حومه اسلام آباد (که به شیوه انتقام گیری طراز امریکایی انجام یافت)، یکباردیگر زمامداران مکار و دو رخ پاکستان را مجبور ساخت تا اعتراف نمایند که "شرمنده اند".

اکنون این سوال مطرح میگردد که اگر اسامه بن لادن واجب القتل است، پس میزبان حامیان و مدعیین آن مستوجب کدام مجازات باید باشند؟

در حالیکه سرنوشت افغانستان، حال و آتیه آن، صلح و امنیت منطقه و جهان مطرح است، بسیار ضروری پنداشته میشود تا ملل متحد این مسئله را مورد بررسی قرار بدهد که چرا پاکستان هم عضو ملل متحد است و هم منشور آن موسسه را زیر پا میگذارد و بصورت متداوم تعهدات خویش را نقض مینماید؟ در حالیکه وفا به عهد و اجرای تعهدات یک اصل قبول شده حقوق بین الملل پنداشته میشود (Pacta Sunt Servanda) در این ارتباط نه تنها مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) پاکستان مطرح است بلکه شورای امنیت ملل متحد باید بر اساس « تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز » اصل (United Nations Sanctions) را در رابطه به پاکستان مورد بررسی قرار بدهد. بدین رو اکنون دیگر اظهار من الشمس است که حمایت، مخفی کردن، تجهیز و تسلیح تروریستان توسط اردو و استخبارات نظامی دولت پاکستان قرار میگیرد. باید شورای امنیت موسسه ملل متحد بر وفق احکام منشور آن موسسه موضوع را بررسی و پاکستان را به حیث حامی تروریسم اعلام نماید، و واضح است که بر کشور حامی تروریسم بر طبق اصل (Settlement Sanctions Legal) تعزیرات شدید را بر آن کشور وضع و برقرار نماید. این

تعمیرات میتواند شامل قطع کمکهای نظامی به تعویق انداختن و مشروط ساختن کمکها و سایر تدابیر جدی باشد.

اعترافات بلند پایه گان پاکستان در عجزشان مبنی بر اعمال حاکمیت دولتی که باعث شرمنده گی آن کشور گردیده، این سوال را مطرح مینماید که شبکه تروریسم جهانی در پاکستان که با اردو و استخبارات (ISI) دارای روابط تنگاتنگ است با در نظر داشت سابقه جرمی پاکستان در نادیده انگاشتن کنوانسیون (N.P.T) درپخش و اشاعه غیرقانونی تکنالوژی اتمی توسط پدراتی آن کشور (که عندالامحکمه بدان اعتراف کرد) ضرور پنداشته میشود تا:

شورای امنیت موسسه ملل متحد، دستگاه نظامی اتمی پاکستان را در تحت پوشش نظارت بین المللی قرار بدهد.

نباید سرنوشت یک کشور (افغانستان)، امنیت شهروندان جهان و صلح، قربانی سهل انگارها گردد.

مدهاست که بسیاری از زمامداران جهان و منجمله ایالات متحده امریکا از سیاستهای دوگانه و مزورانه پاکستان استغاثه دارند. اما کجاست که به سیاستهای کجدار و مریز، بخصوص از جانب ایالات متحده امریکا در قبال این کشور، پایان داده شود. (ریشه تروریسم را در پاکستان آبیاری و شاخه بری آن در افغانستان و ازدیاد قوای نظامی تا سرحد یکصد و پنجاه هزار برضد تجاوز سازمان یافته در وجود طالبان از پاکستان «دوست و متحد انگلیس. امریکا» بسیار سوال برانگیز است)

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا به حیث یک نهاد مسلکی و غیروابسته، از تمام افغانان اعم از شخصیتهای علمی، فرهنگی، نهادهای مدنی، اجتماعی و سیاسی صمیمانه میخواهد که در این راستا به حیث یک داعیه ملی بالاتر از تعلقات قومی، زبانی، سمتی و ایدئولوژیک صدای اعتراض شان را مشترک و رساتر نمایند. انجمن از اعضا و مسئولین خود میخواهد که این اعلامیه را به لسانهای مختلف ترجمه و در اختیار موسسه ملل متحد و مطبوعات قرار دهند.

با احترام

پوهاند دوکتور غلام سخی مصئون

رئیس انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پیام انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در کنفرانس سالانه جرگه افغانان مقیم در اروپا

مورخ ۲۳ اپریل ۲۰۱۷

شهر بیفرویک هالند

۱۰ مارچ ۲۰۱۷

### افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

تروریستان شریر بین المللی با حمله به بزرگترین شفاخانه کشور در شهر کابل، جنایت هولناک «جنگی»، «ضدبشری» و «علیه بشریت» را مرتکب و یکبار دیگر چهره سیاه، ننگین، زبون و جبون شانرا بمثابه دشمنان انسان و انسانیت به نمایش گذاشتند.

در مطابقت با تمام معیارهای حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت و تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م) تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژنیو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته، در کتگوری «جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژنیو: «جنایات جنگی، شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت برضد انسانها، کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید.» ماده (۴۸) همین کنوانسیونها، ماده (۷) و (۸) دیوان جزایی بین المللی و معیارهای هفت گانه صلیب سرخ بین المللی موارد چهارگانه را

مشخص ساخته که شفاخانه‌ها به طریق اولی شامل آن میگردد و بی نیاز از اثبات است که حمله بر شفاخانه محمد داود خان با نقض «قانون و آداب جنگ»، افراد بی دفاع، مریض، زخمی و ناتوان را هدف قرار داده است.

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری»، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت و مجروحیت ده‌ها هموطن عزیز بشمول بهترین سرمایه‌های علمی و معنوی دکتوران گردیده و انسانیت بقتل رسیده است، چه میتوان کرد؟

با تقبیح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه استدعای قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد؟

**هشداروزینهار!!! ای ملت از برای خدا هوشیار شوید!!!**

**گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز گوسپندان دیگر خیره در او مینگرند**

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامحقق میسازد. افغانستان در دایره شیطانی محورهای شرارت منطقه و جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو و جهانخوار، دور جدید بازهای بزرگ و مسابقه جیوپولوتیک نیابتی، منطقه بی وجهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابة ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حقوق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند تا سرزمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار موادمخدر، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرار گیرد؛ مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی «اسلامی» و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابة دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتلین قوم و مذهب ندارند و دشمنان تمام مذاهب و اقوام با هم برادر و برابر افغانستان میباشند.

این مصیبت ملی را باید به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادروطن، وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده واضح میباشد، اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی، و جاهت اعتبار ملی یک سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیرتنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک وزارت های قوای مسلح مستعفی و مورد استعجاب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی آنها نموده اند ، مشخص گردد.

یک دولت کارا، دستگاه دیپلوماسی مسول فعال باید رسالت دفاع و داد خواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و به شورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

اکنون از کفرابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و به برکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روز تاروز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور، گسیل بیشتر عساکر امریکائی به افغانستان حلال مشکلات نبوده و نخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت آمریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطقوی و حمایت و تقویه تروریزم بین المللی، موثرتر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنا بر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشور و متکی بر اصول United nations sancations بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement

sancatio - مورد تعزیرات قرار گرفته و به حیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.



هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود می‌داشت طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای استراتژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا چرا تطبیق نمی‌گردد. بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگردد، (کان لم یکن) پنداشته میشود.

Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد. این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان استراتژیک دارد و توسط متحد "پیمانکار" آن سلاخی میگردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان و تراژیدی خونبار مردم به عزا نشسته ما، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم به خاطر دفاع از حقوق مردم اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت هیأت اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

### **War Crimes and Crimes against Humanity in Kunduz**

Recently, as a result of the aggravated undeclared war and conspiracies by Pakistan, and the collapse of the state rule in Kunduz, another bloody page has been added to the tragedy of Afghanistan.

The human tragedy that took place in Kunduz and which still continues to exist, includes various forms of the most shocking crimes resulting in a national calamity. It, once again, displayed to the world the filthy, inhuman and anti-Islamic faces of the international evil doers, including DAISH and Taliban as the most villainous murderers of the man, who strive to shove back Afghanistan to the Stone Age.

The crimes committed in Kunduz fall in the category of war crimes and crimes against humanity, which can be summed up as following:

- Slaughter of innocent civilians, political assassinations, killing of prisoners, violating the honor of people, plundering the public property, and destruction of public and private buildings.
- Toppling the government administration with the help of the internal conspiracies, facilitating the jailbreak of more than 700 prisoners, including Taliban terrorists and other dangerous criminals, employing the irresponsible gunmen, militia and *Arbaki* fighters and prison escapees and fugitives to commit those crimes.

- Bombardment of the hospital of the Doctors without Borders against all the accepted principles of the international law was still another unfortunate incident that has added to the grievances of the already mournful people of ours.

All the afore mentioned crimes can be described and categorized as war crimes and crimes against humanity in accordance with international law and principles.

These crimes have been elucidated by the four Geneva Contentions (12 August 1949), according to which:

“War crimes include grave breaches of human rights in armed conflicts and crimes against humanity, torture or inhuman treatment, massacre, political assassinations and willfully causing serious injury to the body or morality of human beings.”

There are instruments of International Law, from the Hague Convention to the statutes of the courts of Nuremburg and Tokyo, and in the last decade of the past century in Rwanda, former Yugoslavia, and the Statute of the International Criminal Court that can be used as the bases for the argument.

For the first time during the decades-long war in Afghanistan, a hospital with the international nature (the location of which already existed in their registration) was willfully targeted by a planned air strike. Even the warnings by staff of the hospital, which were directly relayed to them, were ignored.

While admitting the commission of crime, the American side desperately strives to justify the crime (the remarks of Gen. Campbell, the chief commander of American forces about the gathering of Taliban in the hospital and the request by the Afghan side, can be nothing but a justification worse than the crime itself).

Article (48) of the Geneva Convention that provides for the distinction between civilian and military targets, and likewise, the articles (7) and (8) of the Statute of the International Criminal Court which indicate the four occasions (refraining from targeting peacekeeping forces, humanitarian aid agencies, defenseless vulnerable persons, and civilians), the seven principles of the International Red Cross in similar circumstances assign the legal and moral commitment to the military forces of America, and hence, the perpetration of the war crime by the servicemen of that country is brighter than the sun.

In all the afore-mentioned occasions, a legal liability can be assigned to persons or states. Unfortunately, however, the implementation of justice and bringing the criminals to justice and court is a difficult task, because:

In internal dimension: a weak government and an inefficient judiciary, the ethnic and factional nature of the law enforcement organs, and ...

In external dimension: a paralyzed foreign ministry and a chaotic foreign policy are the main causes of the failure of the current weak government to refer the evidences of the Pakistani invasion, the war crime of the American military men, and the crimes of the multinational villainous elements to the UN General Assembly, the International Criminal Court and other concerned international authorities.

The American government rejected the membership of the International Criminal Court, and furthermore, the servicemen of that country have been granted the privilege of judicial immunity by the security and strategic accords of that country with Afghanistan.

On the basis of its professional commitment, and with a view to defending the mourning people of Afghanistan, the Afghan Lawyers' Association in Europe is determined to spare no possible effort for unmasking the faces of the perpetrators of the afore mentioned criminal

acts, and come up with the following points aimed at reviewing those circumstances, and the possible prosecution of those who committed war crimes and crimes against humanity:

- Formation of a fact-finding body under the UN auspices to review the accusations against the American military men, and the participation of the officers of the ISI and the international villains such as Taliban, DAISH and local gangsters;
- Identification of the perpetrators and their introduction to the judicial authorities;
- Demand for indemnification and its strict pursuance as a main agenda point;
- A strict demand on the part of the UN for the non-recurrence of the perpetration of the these crimes;

In the current pitiful situation, while Afghanistan is subjected to invasion and an aggravated non-declared war by Pakistan and a stormy influx of the horrible monsters of “Islamic” radicalism, the painful fate of the country is determined by the regional and international geo-political rivalries, but the state continues to be incapable of exercising its national sovereignty.

The Afghan Lawyers’ Association in Europe sincerely calls upon the civil society, the patriotic social, political and cultural entities, champions of human rights, media and social networks to consider the defense of the blood stained body of the motherland and the mourning people of Afghanistan as their national cause irrespective of their ethnic, regional ... differences, and to act to this end with unity and a spirit of serving the people and the country.

With regards,

Executive Board,

Afghan Lawyers’ Association in Europe

قلب افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

چهارشنبه ۳۱ می ۲۰۱۷

تروریستان شریر بین المللی به تعقیب جنایات قبلی شان بخاطر اثبات نامسلمان بودن شان ماه عبادت و طهارت روزه را با جنایت هولناک در ولایت خوست آغاز و با تداوم کشتار مردم مظلوم در سایر محلات، امروز باردیگر با جنایت هولناک تروریستی، کربلای خونبار را در شهر کابل تکرار و قلب حزین افغانستان به عزا نشستہ را خونین و داغدار ساختند .

در مطابقت با تمام معیار های حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت، تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بمثابه جنایت دهشتبار «جنگی»، «ضد بشری» و «علیه بشریت» بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کتگوری «جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژینو: «جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت برضد انسانها کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید».

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری»، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت و مجروحیت ده‌ها هموطن عزیز که مرگ «انسانیت» به نمایش گذاشته میشود و مردم مظلوم ما از طبیعی ترین حق شان (حق حیات) محروم میگرددند، چه میتوان کرد؟

تقیب و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه با استدعای اصلاح قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد؟

هشدار و زینهار!!

ای ملت از برای خدا هوشیار شوید!!

گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز

گوسپندان دیگر خیره در او مینگرند

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامحقق میسازد. افغانستان در دایره شیطانی محورهای شرارت منطقه جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو و جهانخوار دور جدید بازهای بزرگ و مسابقه جیوپولیتیک و نیابتی منطقه بی وجهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابة ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند، تا سرزمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار مواد مخدر، عمق ستراتژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرارگیرد. مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی "اسلامی" و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده بی مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابة دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتل قوم و مذهب ندارد و دشمن تمام مذاهب و اقوام باهم برادر و برابر افغانستان میباشد.

تکرار مصیبت ملی نباید با تکرار عزای ملی جواب گفته شود. بخاطر دفاع از حق حیات و زندگی مردم، باید رمضان خونین و این چهارشنبه سیاه را به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت

و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادر وطن وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده، واضح میباشد. اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی، و جاهت و اعتبار ملی سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیرتنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک «حکومت وحدت ملی» مورد استجواب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی وقوع این فاجعه را نموده، مشخص گردد.

یک دولت کارا، دستگاه دیپلماسی مسول و فعال میتواند رسالت دفاع و دادخواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و بشورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و برکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روزتاروز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور گسیل بیشتر عساکر امریکائی به افغانستان حلال مشکل نبوده و نخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت امریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطقوی و حمایت و تقویه تروریزم بین المللی، موثر تر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنابر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشور و متکی بر اصل United nations sancations بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement sancation مورد تعزیرات قرار گرفته و بحیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت، طرح این سوال مرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتیژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا، چرا تطبیق نمیگردد. بر اساس عرف حقوق بین المللی



قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگردد، (کان لم یکن) پنداشته میشود. Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد.

این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتیژیک دارد و توسط متحد «پیمانکار» آن سلاخی میگردد. وقت آن رسیده است تا دولت های غربی با معیار و برخورد دوگانه با تعریف ترور و روریسم و تبعیض خون افغان ، عراقی و ... با شهروندان مانچستر، پاریس و ... وداع نمایند .

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان و تراژیدی خونبار مردم به عزا نشسته ما، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم بخاطر دفاع از حقوق مردم و افغانستان که قربانی تروریسم است ، اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## تقیح جنایت دهشت افگنانه تروریستی در شهرهای افغانستان

۱۴ جنوری ۲۰۱۷

افغانستان قربانی تروریسم بین المللی و تراژیدی خونبار آن معلول و محصول مداخله خارجی میباشد و بمثابه "قربانی تروریسم بین المللی"، کماکان آماج حملات دهشتبار تروریستان شریر بین المللی قرار دارد.

مراکز تمام باندهای دهشت افگن و شرارت پیشه اعم از طالبان و حقانی، القاعده، داعش و... در بیرون از افغانستان قرار دارند و این واقعیت که پاکستان نه تنها مرکز تروریسم بوده و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد، پیگر از کفر ابلیس معروفتر و سکانداران سازمان ملل متحد، کاخ سفید، اتحادیه اروپا و... بدان معترف میباشند.

متأسفانه دور جدید "بازهای بزرگ" و کشمکش های هولناک جیوپولوتیک رقبای بین المللی (امریکا، روسیه وچی) و جنگ های نیابتی قدرتهای رقیب منطقوی (پاکستان، هند، ایران و سعودی) و شرکای شان بازم از مردم ما قربانی میگردد و افغانستان بخاک و خون کشانیده میشود. بدینترتیب ابتدایی ترین و اساسی ترین حق مردم که همانا «حق حیات» مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ناشی از آن است؛ در معرض نا بودی قرار دارد. حوادث تروریستی در روزهای اخیر در بغلان (کارگران ذغال سنگ)، شهر کابل (کارمندان ملکی پارلمان)، قندهار و ننگرهار صدها شهروند ملکی را از حق حیات محروم و ماتم و مصیبت آفریده است.

مطابق به قواعد حقوق بین المللی (از کنوانسیون های لاهه ۱۸۸۹م و ۱۹۰۷ م، کنوانسیون های چهار گانه ژنیو ۱۹۴۹ م، اساسنامه دیوان بین المللی عدالت ۱۹۹۸ م... تمام این جنایات خونین و هولناک در ردیف: جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم ضدبشری تسجیل گردیده است. بشمول پاکستان تمام کشورهای که در ایجاد حمام خون در افغانستان سهیم میباشند، اعضای سازمان ملل متحد بوده و متعهد به رعایت منشور ملل متحد کنوانسیون ها و مصوبات آن سازمان میباشند. باید این سوال را مطرح نمود که چرا سازمان ملل متحد و اعضای دایمی شورای امنیت آن سازمان که مسوولیت اخلاقی شان درقبال تراژیدی خونبار افغانستان اظهرمن الشمس است، احساس مسوولیت ندارند؟ جامعه بین المللی در قبال افغانستان مسوولیت دارد و امریکا قرارداد به اصطلاح ستراتیژیک را، زیر پا مینماید. در

## پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

---

چنین احوال و اوضاع مردم حق دارند، آنان را شریک قاتلان خود قلمداد نمایند. به تجربه ثابت گردیده است که حق داده نمیشود و سقوط ارزشها در مقیاس جهانی «دنیایی هابزی» را مستولی ساخته است؛ باید مردم و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق آنان متحدانه صدای اعتراض شانرا در دفاع از حق حیات و زندگی، حفظ و سلامت کشور و حق گذار آن به شاهره صلح و ترقی بلند نمایند.

با احترام

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بازهم جنایت جنگی و ضد بشری

۷ فبروری ۲۰۱۷

در حالیکه مردم به عزا نشسته افغانستان در برفیاری های اخیر متحمل تلفات زیاد گردیده وسوگوار میباشند، شرارت پیشه گان تروریست وقاتل بازهم جنایت هولناک آفریدند ودر بعد از ظهر امروز برای چندمین بار کارمندان ستره محکمه را آماج حملات ضد انسانی ددمنشانه قرارداده و باعث شهادت (بیشتر از بیست تن) و مجروحیت تا پنجاه هموطن عزیز ما گردیدند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه روح شهیدا را شاد میخواهد، نفرت وانزجار شدید خود را به عاملان وحشی و دشمنان انسان وانسانیت ابراز میدارد.

بی نیاز از اثبات است که وقوع این جنایت خونین طبق تمام معیارهای قبول شده بین المللی، از کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷ م ) و اساسنامه های نورنبرگ و دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن وکنوانسیون های چهارگانه ژینو (۱۹۴۵ م) در ردیف جنایت جنگی ضد بشری و نایت علیه بشریت تعریف گردیده و باید عاملان جنایتکار وسازماندهندگان داخلی، منطقه یی و بین المللی مشخص وبه محاکمه کشانیده شوند.

در حالیکه براساس گذارش جدید سازمان ملل متحد، حجم جنایات وکشتار اهالی ملکی روزتاروز زیاد گردیده اس؛ جامعه جهانی و بخصوص اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد در حالیکه مسولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان اظهر من الشمس است با سیاست های کجدار ومریز در نقش شرکای قاتلان مردم ما عمل مینمایند. در چنین احوال غم انگیز انجمن حقوقدانان افغان دراروپا از تمام مدافعان حقوق مردم، جامعه مدنی ونهادهای سیاسی، اجتماعی وفرهنگی میخواهد که بدفاع از حق حیات شهروندان افغان وبرضد تروریستان سفاک طالب وداعش وشرکای جرمی شان صدایی اعتراض شانرا ستر نمایند.

با احترام

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## تداوم جنایات علیه بشریت در افغانستان

۴ اسد ۱۳۹۶ مطابق ۲۶ جولای ۲۰۱۷

حوادث خونین در چند روز اخیر که همزمان با گسترش جنگ اعلام نشده پاکستان در مناطق مختلف افغانستان، به تعقیب رمضان خونین ادامه دارد، نمایانگر آغاز فصل جدید خون و آتش و تداوم جنایات علیه بشریت در افغانستان میباشد.

شرارت پیشه گان تروریست با راه اندازی حوادث هولناک خونین در بدخشان، فاریاب، غور، قندهار، هلمند و کابل و ... بر اوراق سیاه جنایات ضد انسانی و ضد اسلامی شان افزودند، کشتار ددمنشانه مریضان داخل بستر و داکتران در شفاخانه ملکی ولسوالی تیوره و انجنیران جوان وزارت معادن و پترولیم توسط طالبان که « بشکل هدفمند » و از « قبل پلان شده » صورت گرفته و همچنان بمبارد قوای نظامی هوایی امریکا که منجر به شهادت سربازان افغان گردیده است، مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژنو (۱۹۴۸ م)، در تحت عنوان « جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت » مسجل گردیده است.

در همچو موارد که وقوع « جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری به یک واقعیت غیرقابل انکار مبدل گردیده است، موارد الزام بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی تروریستان، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

تداوم روزمره جنایات هولناک ضد بشری که در یک بازی بسیار پیچیده استخبارات بیرونی انجام میآید، حوادث خونبار را به پروسه های خونین مبدل و نوعی اعتیاد بخون و قربانی را بر مردم به عزا نشسته ما، تحمیل مینماید.

پاشنه آشیل افغانستان و عامل جنگ و خونریزی در بعد داخلی آن فقدان یک دولت ملی و مقتدر و در بعد بیرونی تداوم و تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان و دسایس ایران و جنگهای نیابتی رقبا میباشد که مجموع آن با اهداف جیوپولوتیک و سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس آبیاری میگردد.

دولتمداران کنونی نیز با خموشی و دهان پر آب شان، با معامله و فریب از ارائه پاسخ در برابر ملت خود را کنار میزنند. عدم قاطعیت و عدم یک سیاست روشن در برابر دشمنان سفاک و فاقد وجدان انسانی دال بر آن است که دولت مداران کنونی افغانستان خود را از زیربار سیاست ها و اهداف فوق الذکر آمریکا و انگلیس بیرون نساخته و نمیسازند. در واقعیت اینان خود بحیث یکی از عوامل بازی پیچیده در کشور ما مبدل گردیده اند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا که با نگرانی و تأثر عمیق حوادث افغانستان را تعقیب مینماید، از تمام نهادهای مدافع مردم و وطن صمیمانه متقاضی است تا در دفاع از حق حیات افغانان و حق گذار افغانستان به صلح، ثبات و شاهره ترقی صدای شانرا رساتر و متقربتر سازند و بخاطر دستیابی به این مأمول شریفانه موارد آتی را در سر خط کار شان قرار دهند:

- ابراز دوامدار نفرت در برابر ذهنیت مخوف تکفیری و تروریستان و شرارت پیشه گان و حامیان داخلی، منطقوی و بین المللی شان (تروریست قوم و مذهب ندارد و تروریسم دشمن مشترک تمام اقوام و مذاهب میباشد).

- دفاع از صلح بمثابه مقدمترین نیاز مردم و وطن: این مأمول باید اولویت مبرم دولت و جامعه بین المللی باشد و در غیر آن طرح وعده و وعیدها و صحبت از استراتژی جدید در امریکا، عوام فریبانه و یک سراب خواهد بود.

با حرمت

هیات اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

### تقبیح حادثه تروریستی دربر ابرژورنالستان تلویزیون طلوع

انجمن حقوقدانان افغان دراروپا در حالیکه روح شهدای حادثه تروریستی امروز در شهر کابل را شاد میخواهد؛ عمیق ترین مراتب تائر وتسلیت را بخانواده های شهدا، جامعه مدنی، ژورنالیستان ومنسوبان تلویزیون طلوع ومدافعان آزادی بیان ودموکراسی تقدیم داشته وبرای مجروحان شفای عاجل وکامل استدعا میدارد.

انجمن با شدت وبه شدیدترین الفاظ این حمله هدفمند پلان شده وعمدی را بر موتر کارمندان ملکی موبی گروپ تقبیح ونفرین بی پایان را به عاملان وحشی شرارت پیشه طالب که مسوولیت این جنایت نا بخشودنی را عهده دار گردیده اند ابراز میدارد.

این دهشت ووحشت وتروریسم پلان شده ووارد شده از پاکستان که به تعقیب سروصدایی عقب گرایان اخلاف ملای لنگ در روز های اخیر انجام یافته است ودموکراسی نوپا وجلوگیری از رفتن افغانستان افغانستان بشاهراه ترقی پنداشته میشود تا جامعه را به تاریکی دلخواه شب پرستان وجهالت وظلمت سوق داده و صدایی مردم بپا خاسته را خفه نمایند.

این جنایت هولناک مطابق احکام وقواعد حقوق بین المللی وميثاقهای جهانی از لاهه وتا کنوانسیون های چهار گانه ژینو واساسنامه دیوان بین المللی جزای ودر ردیف جنایت جنگی جنایت علیه بشریت وجنایات ضد بشری طرازبندی میگردد

بدینرو باید وزارت خارجه افغانستان طی یک اقدام عاجل موضوع را بشورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع وخوهران بررسی آن گردد.

همچنان با تاکید از سازمان ملل متحد و وزارت خارجه امریکا خواسته شود تا عاملین این جنایت را در فهرست سیاه شان شامل سازند.

از آنجاییکه طالبان مسوولیت این جنایت را عهده دار گردیده وسخنگوی شان موضوعرا را از پاکستان به مطبوعات خیر داده است، دیگر جای شک وجود ندارد که حادثه تروریستی امروز در راستای تداوم

جنگ اعلام نا شده پاکستان و بخاطر ایجاد ترس و وحشت و استفاده ابزاری از ترور برای مقاصد سیاسی توسط سازمان آی اس آی صورت گرفته است

بدینرو دولت افغانستان موضوعا غرض بررسی عاجل به کمیسیون چهارگانه ارجاع و تا اتخاذ تصمیم در زمینه مذاکرات به اصطلاح صلح را تعلیق نماید.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در رابطه به این حادثه غم انگیز و حوادث مشابه از تمام افغانان در داخل و خارج صمیمانه میخواهد تا بدون بهانه تراشی ها باچنگ زدن به وحدت و وفاق ملی صدایی اعتراض شانرا رساتر و مشترک سازند و بگوش جهانیان برسانند

افغانان آزاده و غیور که چهار دهه جنگ اعلام نا شده را متحمل گردیده اند کماکان همانند کوه های افغانستان پا برجا بوده و از حق کشورشان بخاطر گذار بشاهراه ترقی حراست مینمایند.

با احترام

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا



## بازهم قتل عام و تکرار جنایت جنگی و ضد بشری

دشمنان آسایش بشریت که تحت عناوین مختلف، بمثابه ابزارکثیف و دهشتبار، در خدمت مراکز شرارت بین المللی قرار دارند، بازهم شهر کابل را به کربلا مبدل نمودند. تروریستان شریر و یزیدی داعشی با حمله انتحاری در مرکز مذهبی «باقرالعلوم» فاجعه بشری را بوجود آورده و هموطنان عزیز ملی ما را بخاک و خون کشانیدند.

در حالیکه روح شهدا را شاد می‌خواهیم، عمیقترین مراتب نفرت و انزجار را به عاملان ددمنش این جنایت هولناک ابراز می‌داریم.

وقوع این جنایت ننگین به تعقیب حوادث خونین مشابه دیگر در مرکز و ولایات کشور؛ گشودن صفحه جدید و سیاه دیگر را در تراژیدی خونبار افغانستان به نمایش می‌گذارد و از پلان دشمنان تاریخی ما در جهت کشانیدن مردم در باطلاق جنگ های مذهبی و قومی پرده بر میدارد. متأسفانه افغانستان عزیز ما که طولانی ترین جنگ را متحمل گردیده است، در دور جدید «بلازبهای بزرگ» و کشمکشهای جیوپولوتیک بین المللی و منطقوی، همچنان معروض به جنگ های نیابتی بازیگران متخاصم منطقه بی ایران و سعودی، قربانی میدهد و مردم به قیمت خون فرزندان شان کفاره آنرا می‌پردازن. این قتل عام اهالی ملی بر طبق موازین معیار های قبول شده حقوق بین المللی؛ بحساب «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت»؛ باید مورد بررسی و مجرمان به محاکمه کشانیده شوند.

مقابله با این «سونامی» هولناک و حوادث خونین و غم انگیز فقط و فقط با بیداری و هوشیاری ما، اتحاد و اتفاق و چنگ زدن به وحدت ملی و برابری و برادری پیروان مذاه، میسر خواهد بود. باید در افشای عاملان وحشی داعشی و طالبی و حامیان و محرکان منطقه بی وجهانی آن صدای اعتراض ما را رساتر و مشترک بسازیم و از «حق حیات» مردم به عزا نشسته افغان دفاع نماییم.

با احترام

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## جنایات طالبان در کشتار مسافران راه های مواصلاتی

دهشت افگنان طالبی در این اواخر در ادامه جنایات جنگی و ضد بشری شان، به شیوه های جدید انتقامگیری از مردمان ملکی و بی دفاع در مسیر جاده های مواصلاتی متوصل گردیده اند.

گروه های قصی القلب، جانی و فاقد وجدان انسانی طالبی که دیگر هیچگونه شک و تردیدی در وابسته گی مزدورانه شان با دستگاه شیاد و جهنی استخبارات نظامی پاکستان و ارتجاع منطقه وجود ندارد، در این اواخر با راه گیری و قطاع الطریقی مسافران بی دفاع را با اسارت گرفته و تعداد شان را بدون کدام دلایل موجه بیرحمانه به قتل میرسانند و تعداد دیگر را در اسارت نگه میدارند. این جنایت ضد انسانی در هفته های اخیر به دفعات در جاده های مسیر بغلان، کندوز، تخار و بدخشان و همچنان کابل غزنی تکرار ارتکاب یافته اند.

طالبان میخواهند به این اعمال ضد انسانی شان که هیچ دلیلی از اوصول و مبانی دینی و شریعت اسلامی با آنها مطابقت ندارد، با این کشتار بیرحمانه اکنون عمداً و آگاهانه بر تشدید و عمیق ساختن مخاصمت های قومی و منطقوی نی متوصل میگرددند که جز پیشبرد و تطبیق اهداف و برنامه های بیگانگان در ازهم پاشی ملت بزرگ افغانستان، توجه دیگری ندارد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا این جنایات جنگی و ضد انسان و انسانیت و ضد ملت و مردم کشور را با شدید کلمات محکوم نموده و مراتب نفرت و انزجار خود را در برابر این جنایات نا بخشودنی ابراز مینماید. ما به قربانیان و شهدای این جنایات استدعای بهشت برین نموده خود را با غم و اندوه خانواده های قربانیان این حوادث شریک میدانیم.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا معتقد براین اصل است که هیچ عمل و جنایتی در برابر مردمان ملک، اسران جنگی و برضد ملت و وفاق ملی توجیه ندارد. عاملین مستقیم و پشت پرده آن، چه در وجود مزدوران طالبی و چه در وجود نکتائی پوشان در زیرچترارگ و ارگ نشینان و تعداد از سیاستبازان دیگر که با روپوش دموکراسی، با قلابی گیری به تحریک تضاد های قومی و زبانی مبادرت و اعمال ضد ملت و مردم طالبان عقب گراه را توجیه مینمایند، باید در برابر ملت پاسخگو باشند. اینان با یک اتحاد نامقدس

پس پرده در ازهم پاشیده گی مردمان کثیرالزبان وکثیر القومی ومذهبی افغانستان، با پروئی وگستاخانه آب به آسیاب دشمن اصلی ما یعنی استخبارات پاکستان وحامیان پشت پرده شان میریزند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا خواهان ردیابی وبه کیفر رسانی عاملین این جنایات توسط اوگانهای عدلی وقضائی کشور بوده آرزومند است تا دولت افغانستان در سرکوب ودفع هر گونه اعمال مبنی بر تشدید وعمیق ساختن تضادهای قومی و زبانی قاطعانه عمل نموده واز آبیاری نمودن ریشه های این اعمال از کانالهای درون نظام جلوگیری نماید.

ما از تمامی نهاد های سیاسی واجتماعی داخل کشور وبیرونمرزی تقاضا مینمائیم تا ضمن تقبیح این اعمال جنایت کارانه طالبان وسیاستبازان وابسته با طالبان در داخل نظام، با عمل مشترک هدفمندانه بر دولت ناکارای به اصطلاح " وحدت ملی " فشار وارد نمایند تا در برابر طالبان، دستگاه جهنی پاکستان وعوامل تشدید تضاد ها وخصومت های قومی سیاست دقیق واضح را رویدست گیرد.

با احترام

هیأت اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## بازهم جنایت و وحشت

جنایتکاران داعشی این شریکترین و خبیثترین دشمنان انسان و اسلام؛ یکبار دیگر با نمایش چهره کثیف و ضدانسانی شان و انجام جنایت هولناک، بیشتر از سی تن هموطنان عزیز و مظلوم و بی دفاع ما را در ولایت غور به شهادت رسانیده و مردم مستضعف را عزا دار ساختند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه با شدیدترین الفاظ این جنایت مدهش قاتلان داعشی را تقبیح مینماید، نفرت و انزجار عمیق خود را بر عاملان سفاک و دون همت تروریست، سازماندهندگان و حامیان آنان ابراز داشته و روح شهدا را شاد میخواید.

اظهرمن الشمس است که وقوع این جنایت برطبق تمام معیارهای قبول شده حقوقی و از میثاق بین المللی لاهه و تانکوانسیون های چهار گانه ژینو (می ۱۹۴۹ م) در ردیف جنایت جنگی، ضد بشری و جنایت علیه بشریت تعریف میگردد و برطبق صراحت ماده ۷ اساسنامه دیوان جزای بین المللی، بمثابة «حمله گسترده» و «سازمان یافته» و قتل «جمعیت غیرنظامی»، عاملان آن بحیث جنایتکاران جنگی و عاملان جنایت علیه بشریت به محاکمه کشانیده شده و به سزای اعمال طاغوتی و ضد انسانی شان رسانیده شوند.

واضح است که دولت ضعیف و فقدان حاکمیت قانون و ضعف ارگانهای حراست حقوق و عدلی و قضایی و افزون بر آنها سیاست های کجدار و مریز حامیان بین المللی دولت و بخصوص ایالات متحده امریکا و انگلیس و برخورد دو پهلوی «مدافعان حقوق بشر» باعث گردیده تا تروریستان شریک و سفاک، گستاخانه تر عمل نمایند مردم بی دفاع و مظلوم افغانستان که طولانی ترین جنگ را متحمل میگردند، کفاره آنها به قیمت خون فرزندان شان پردازند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## بازهم جنایت جنگی و فاجعه انسانی

یکشنبه ۷ نوامبر ۲۰۱۶

در دو حادثه خونین سوم نوامبر در کندر و فاریاب، باردیگر هموطنان عزیزما بخاک و خون کشانیده شده و بیشتر از چهل تن از اهالی ملکی بشمول اطفال نازنین به شهادت رسیدند. در فاریاب ۱۲ تن هموطنان ما در یک مراسم عروسی در اثر فیر یک راکت توسط طلبان و در کندز سی تن از هموطنان ما در اثر پرتاب بم شهید گردیدند.

وقوع این جنایات هولناک و به تعقیب حوادث خونبار یکسال گذشته دکنز و اوجگیری بی سابقه فعالیت شرارت پیشه گان تروریست طالب و شرکای جرمی شان، صفحه خونین دیگر را بر آلام و مصایب جانکاه مردم به عزا نشسته ایزاد نمود. بر طبق اخبار و گزارشات اژانس ها و مطبوعات افغانی و بین المللی، این کشتار افراد ملکی مطابق اسناد و معیارهای قبول شده حقوق بین المللی باید در ردیف « جنایت جنگی» مورد بررسی و محاکمه قرار گیرد. جنایت جنگی در کنوانسیون « لاهه » (۱۹۰۷) و در ورای اساسنامه نورنبرگ و منشور دادگاه نظامی بین المللی « لندن » (۱۹۴۵) و همچنان میثاقهای چهارگانه ژنو می (۱۹۴۹) و مواد اساسنامه دیوان جزایی بین المللی: «تعریف و مسجل گردیده است. در مطابقت با این اسناد؛ جنایت جنگی بر اعمالی مصداق دارد که در اثر نقض «قانون» جنگ و «آداب جنگی» منجر به ویرانی شهر، قریه و قصبه گردد و در هر حالت «هدف قرار دادن افراد ملکی در دوران جنگ» یک جنایت جنگی پنداشته میشود و برای دفاع از حقوق بشر و صیانت حقوق انسانی، عاملان این فاجعه خونبار بشری باید بمثابه مجرمان جنگی مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد.

توضیحات متناقض وزارت دفاع افغانستان و قوماندان قوای نظامی امریکا در افغانستان (جنرال جان نیکلسون) در مورد حادثه کندز و دسایس طالبان که اهالی ملکی را سپر میسازند، نمیتواند وقوع جنایت جنگی را تبرئه نماید. بسیار ضرور است تا در دفاع از حقوق مردم مظلوم و مستضعف و مستمند،

صدایی اعتراض خود را بلند نمایم و خواهان محاکمه و مجازات عاملان افغان، امریکایی، عرب و عجم گردیم. در همچو موارد خونبار که مردم بخاک و خون کشانیده میشود، تنها محکوم ساختن و اظهار تاسف دردی را دوا نمیکند. خون افغان باید معادل خون یک امریکایی باید حرمت گردد و به شیوه معمول پرداخت یک مشت پول و آنهم با نوعی تحقیر باید وداع گفته شود. باید جبران خساره واقعی و مواظبت و پرداخت مستمر برای فامیل ها مطرح و عملی گردد.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

## شهادت هموطنان عزیزما در ولایت زابل

عاملین جینوساید دشمنان بشریت

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا به شدیدترین الفاظ شهادت هفت هموطن عزیز ما را در ولایت زابل از جانب جنایتکاران داعشی بشدت محکوم مینماید.

این جنایت نفرت انگیز بر طبق میثاق بین المللی دسامبر ۱۹۴۸ در ردیف "جینوساید" قرار میگیرد و عاملان تبهکار که دشمنان انسان و انسانیت می باشند، بعد از ارتکاب جرم به اسارت گرفتن این وطنداران ما بحساب تعلق به قوم خاص (قوم شریف هزاره) و تحمیل شکنجه و عذاب شدید روانی به قتل و کشتار آنان مبادرت ورزیده و هفت هموطن عزیزما را به شهادت رسانیده اند.

واضح است که دولت ضعیف و فقدان حاکمیت قانون میدان تاخت و تاز جنایتکاران بین الملل را مساعد ساخته و دشمنان تاریخی افغانستان تلاش دارند تا کشور را در آفت جنگ های قومی و مذهبی کشانیده و نمک های اضافی بر زخم خونین افغانستان بپاشند.

با احترام

هیأت احرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

یکشنبه ۹ سپتامبر ۲۰۱۸

## جلالتمأبآنتونیو گوترش سرمنشی سازمان ملل متحد،

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا بمثابه يك نهاد مسلکی ومستقل که مسایل افغانستان را بدقت تعقیب مینماید، با احساس مسئولیت در قبال تراژیدی خونبار کشور، قبل از آنکه افغانستان در حضور گسترده جامعه جهانی و سازمان ملل متحد با سقوط و فروپاشی مواجه گردد، لزوماً به سازمان ملل متحد و جلالتمأب شما که در روزهای اخیر با حسن نظر و درک از ضرورت عاجل صلح و استقرار آتش بس فوری را مطرح فرمودید، مراجعه و با طرح پیشنهادات مشخص، خواستار عطف توجه و مساعی جمیله سازمان ملل متحد و شخص شما میباشیم .

بیشتر از چهار دهه است که افغانستان در آتش جنگ تحمیلی میسوزد و تراژیدی خونبار آن که معلول و محصول مداخله خارجی است، به زخم خونین ناسور و ساری مبدل گردیده است .

افغانستان که در اوج جنگ سرد بمركز تصفیه حسابات ابرقدرتهای رقیب عضو شورای امنیت مبدل گردید، جنگ و قربانی بزرگ را متحمل گردیده است. در حالیکه به مساعی جمیله سازمان ملل متحد و در حضور یکی از اسلاف شما و وزرای خارجه ایالات متحده امریکا و اتحادشوری قرارداد ژینو عقد گردید، افغانستان بطرف دهه دهشتبار سیطره پاکستان، انارشی تنظیمی و استبداد قرون وسطایی طالبان سوق و هست و بود این کشور را نابود و بمركز امن تروریستان شیر بر بین المللی مبدل و عواقب آن در آتش برج و باروی آسمان خراشهای مقرر سازمان ملل متحد بازتاب یافت .

در هفده سال اخیر مندرجات قطعنامه های مبارزه با تروریسم، دولت سازی، بازسازی و تقویت نهاد های دیموکراتیک و نابودی هیروئین فراوان صحبت گردیده و متاسفانه با وجود قربانی های بزرگ مردم، احوال خونبار جامعه گویای این حقایق تلخ میاشد :

به عوض دولت ملی مقتدر وقانون سالار، شرکت سهامی به اشتراك ناقضان حرفوی حقوق بشر، غاصبان ملکیت ها، تاجران دین، تیکه داران "جهاد"، دکانداران قوم، کلیپتوکراسی هسته گزاری شد و بلاخره حالت را مستولی ساخته اند که سی ملیون مردم در گرو يك اقلیت منفور جلابان فساد سالار، گروگان ساخته اند و مردم مظلوم در حرمان از حقوق شان بحران وسیع اجتماعی، سیاسی و فقر گسترده را با انتحار و انفجار تروریستان متحمل میشوند .



احوال اسفبار مردم را از حقوق شان محروم و :  
- حق حیات و زندگی شان با تهدید روزمره مواجه است .  
- موانع بسیار جدی در برابر اعمال حق حاکمیت ملی که بطور انحصاری بمردم تعلق دارد، وجود دارد .  
- با وجود اراده مردم افغانستان از حق گذار بشاهراه صلح و ترقی محروم میگردد .  
افغانستان درحضور وسیع نظامی ناتو در معرض هجوم بیسابقه سازمانهای تروریستی اعم از القاعده، طالبان، داعش و گروهک های وابسته به آنان قراردارد. گروه های که به اعتراف خانم کلینتون، خانم بینظیر بوتو، جنرال مشرف، برژینسکی و ... بمثابه ابزار تحقق اهداف جیوپولوتیک قدرتهای بزرگ عضو شورای امنیت ایجاد و مردم مظلوم افغانستان قربانی جنایات شان میباشند .  
مراکز تجهیز و امن این سازمانهای تروریستی در پاکستان قراردارد که سرانجام سکانداران جهان بعد از چهل سال به حقانیت ادعای افغانستان معترف و حتی رئیس جمهور بزرگترین کشور حامی انکشور آقای ترامپ در سپتامبر ( ۲۰۱۷ م ) و در نخستین تویتر سالجاری پاکستان را مرکز تروریسم و دولت آنکشور را حامی سازمانهای تروریستی اعلام و از عزم جدی بخاطر تغیر آنکشور وعده سپرد.

### افغانستان آماج جنایات علیه بشریت قراردارد :

روزانه تا سه صد تن درکشور از بین میروند و همه روزه در نقاط مختلف تروریستان مردم را ب خاک و خون می کشانند و صبرا و شطیلا و کریلا را ایجاد مینمایند و بشکل " هدفمند " و " از قبل پلان شده " و با " قساوت " بر اهالی ملکی ، مراکز آموزشی ، مدارس ، مساجد و تکایا حملات را انجام میدهند . که بر طبق تمام معیار های بین المللی از لاهه ( ۱۹۰۷ م ) ، اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزای بین المللی، منشور دادگاه بین المللی لندن، کنوانسیونهای چهارگانه ژینو ( ۱۹۴۸ م ) و اساسنامه دیوان جزای بین المللی ( ۱۹۹۸ م ) این جنایات در جرایم بین المللی تعریف گردیده است :

- جنایات علیه بشریت،
- جنایات جنگی ،
- جنایات ضد بشری ،
- جنوساید ، نسل کشی و کوچ دادن اجباری اهالی،
- مجبور ساختن اطفال به فعالیت های جنگی و تروریستی،
- زندان های شخصی و زندانی ساختن غیر قانونی،
- جنایات علیه صلح،
- تحریکات مخاصمت های قومی، زبانی و مذهبی،

- تاراج و چپاول معادن و آثار فرهنگی و تخریب آبدات تاریخی،  
- سو استفاده و تعرض جنسی بر زنان و کودکان در مناطق تحت تسلط زورداران.  
و ده ها جرم دیگر که دولت موجود با ناتوانی و در معاملات بخاطر حفظ موقف خویش، حکم بیننده را دارا می باشد.

مطابق به کنوانسیون ژینو ( ۱۹۴۸ م ) " تمام موارد نقض حقوق بشر در منازعات و درگیری ها که سلامت جسمی، روانی و اخلاقی را صدمه میرساند " شامل جنایات جنگی میگردد .  
مطابق به احکام کنوانسیون های یادشده، در تمام مواردیکه آمار داده شده، الزامات اظهر من الشمس است، که بایست بدون تأخیر مجرمین، سازمان های عامل و دولت حامی آنها مورد محاکمه قرار گیرند ولی متأسفانه درین ارتباط کار دقیق انجام نیافته و حتی آزامدن خرنوال بین المللی بررسی جنایات جنگی به افغانستان که در نوامبر سال گذشته خواستار مجوز بررسی جرایم یاد شده گردیده بود، جلوگیری شده است.

( البته يك بخش جرایم جنگی که توسط سربازان امریکایی انجام یافته، بنابراین پیوستن آنکشور به اساسنامه دیوان جزائی بین المللی و همچنان دادن امتیاز "معافیت جزائی" در موافقت نامه دفاعی و امنیتی کابل - واشنگتن مورد بررسی قرار نگرفته است )

اکنون در حالیکه دور جدید و خونین بازی های بزرگ و کشمکش های جیوپولیتیک رقبای منطقوی و بین المللی و جنگ های نیابتی افغانستان را در محراق این کشمکش ها قرار داده است وافزون بر آن مصایب طبیعی و سونامی کمبود آب تهدید جدی را متوجه هست و بود کشورما ساخته است توقع میبریم تا قبل از آنکه افغانستان در حضورداشت گسترده جامعه بین المللی وسازمان ملل متحد به یک سوریه دیگر مبدل و به قبرستان اعلامیه جهانی حقوق بشر و ارزشهای جهانی حقوق بین المللی مبدل گردد، به جالتمأب شما که بر ورود و حسن نظر شما به درد کشور ما، ایقان داریم ، مراجعه و در عرصه های آتی، خواهان تدابیر جدی و مساعی جمیله سازمان ملل متحد میباشیم:

### ایجاد یک کمیسیون حقیقت یاب:

در افغانستان در هفده سال گذشته و بعد از قضیه قتل وزیر هوانوردی و ملکی در فروری ( ۲۰۰۲ م ) و تا کنون در هر مورد يك کمیسیون ایجاد گردیده ولی هیچکدام نتایج عملی در قبال نداشته است و امیدوارم تا کمیسیون مطمح نظر ما از طرف سازمان ملل متحد با نتایج و اقدامات عملی بوجود آید تا

جنایات هولناک علیه بشریت را در حوادث تروریستی هولناک کابل، سرپل، کندز، جلال آباد، غزنی، حوادث خونبار اخیر در غرب کابل و سایر محلات بررسی و عاملین معلوم الحال، سازمان عامل و دولت حامی آنان را به جهانیان معرفی و به محاکمه بکشاند.

### وضع تعزیرات بین المللی توسط ملل متحد بر کشور پاکستان:

جنگ اعلام نا شده پاکستان علیه افغانستان در بیشتر از چهار دهه و نقش آن کشور بحیث مرکز تروریستان شریر بین المللی و حمایت دولت آن از سازمانهای تروریستی، دیگر از کفر ابلیس معروفتر و ارائه دلیل اضافی در حکم خرما بردن به بغداد است.

این دیگر به تمسخر گرفتن شورای امنیت ملل متحد است که پاکستان هم عضو سازمان ملل متحد است و هم ناقض منشور آن سازمان میباشد و از عجائب دیگر این است که ایالات متحده امریکا هم با افغانستان قرارداد ستراتژیژیک دفاعی و امنیتی دارد و هم با پیمانکار خود پاکستان سردوستی دارد. افغانستان بر طبق منشور سازمان ملل عرف قدیم و معمول بین المللی (pacta sent sarwanda) حق دارد تطبیق قراردادها و مقاولات بین المللی را مطالبه نماید.

اجازه میخواهیم پرسیم: آیا هنوز هم وقت آن نرسیده است؟ تا شورای امنیت سازمان ملل متحد اصل (United Nations sancations) فصل هفت و متکی بر اصل (کشور پاکستان را بحیث مرکز تروریستان و مکان امن دهشت افگنان و دولت انکشور را بمثابه حامی تروریسم بر طبق اصل (Leal settlement sancation) حامی تروریزم مورد تعزیرات جدی قرار دهد.

### کمک به افغانستان در مبارزه علیه فساد و فسادسالاران:

یونوما اعلام داشته است که

"فساد گسترده در افغانستان، غیر انسانی و بسیار بیشرمانه است که همه را شگفت زده نموده ... " و البته اظهارات مشابه از طرف مراجع بین المللی و منجمله سازمان سیگار انجام میابد و جایگاه افغانستان را در صدر فهرست دولت های فاسد طرازبندی نموده اند و مراجع امریکایی از تاراج بخش وسیع کمک صد میلیارد دلاری شان شکوه مینمایند و اما تا کنون هیچ فهرست سیاه از فساد سالاران بزرگ، پول شویان و قاچاقبران مواد مخدر و ... اعلام و محاکمه نشده اند. برعکس در برابر اربابان فساد قایلین

سرخ فرش و تکریم میشود و چندین هزار منسوب قوای مسلح مصروف تأمین امنیت همین آقایان میباشند.

وقت آن رسیده است که از اراده و آرمان مردم در مبارزه قاطع علیه فساد و ایجاد حاکمیت قانون دفاع صورت گیرد. این استدلال که گویا "دولت سازی" کار افغانان است، بیشتر بیک فکاهی میماند تا سخن مسولانه در قبال تراژیدی خونبار مردم به عزا نشسته افغانستان. این استدلال وقتی توجیه میداشت که فقدان دولت مقتدر محصول کار عاملین بین المللی نمیبود و در آخرین مورد همین نسخه آقای وزیر خارجه اسبق امریکا آقای جان کبری دموکراسی نیم بند را سلاخی و حاکمیت ملی را به گروه های رقیب انتخاباتی تقسیم نمود که ما عواقب فلاکتبار آنرا شاهد میباشیم.

سازمان ملل متحد میتواند در راستای استقرار حاکمیت قانون و افشای فسادسالاران کمک بزرگ و موثری را انجام دهد..

استقرار صلح، اساسی ترین نیاز افغانستان است و درحالیکه از بذل توجه جلالتمآب شما از درک این ضرورت سپاس میداریم، اکیداً تقاضا داریم تا:

استقرار آتش بس را در دستور کار شورای امنیت قرار داده و از مساعی جمیله شان درین راستا بخاطر قطع کشتار و خونریزی مساعدت فرمایند.

انجمن با مراجعه بشما تنها به حسن نیت فردی و اخلاقی متکی نبوده، بل درین اقدام به مسولیت اخلاقی (Moralobligation) جامعه جهانی و سازمان ملل متحد در قبال تراژیدی خونبار افغانستان تاکید میدارد.

با تجدید احترامات فائقه

از نام هیأت اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

میر عبد الواحد سادات

رئیس انجمن

## جلالتمأب سرمئشى ملل متحد

۳۰، سپتامبر ۲۰۱۸

در ۲۷ سپتامبر، ۲۲ سال از تجاوز پلان شده و هدفمند گروپ موظف دولت پاکستان بر حریم نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل میگردد که بر خلاف تمام موازین قبول شده حقوق بین المللی و در راستای هجوم لجام گسیخته بر تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی افغانستان انجام یافت. در آن شب سیاه دولت متخالف و متخاصم پاکستان در همنوایی و پلان قبلاً تنظیم شده با حامیان بین المللی خود انتقام بزرگ از آزادیخواهان افغان گرفت تا شکست های تاریخی خود را در طراحی تجاوز بر دروازه شرقی افغانستان، دسایس و کودتا های ناکام را گرفته باشد.

هیات موظف دولت پاکستان در ترکیب جنرالان و افسران بلند پایه اردو و آی اس آی، بشمول دو دشمن سفاک ملت و مردم افغانستان، جنرال اسلم بیگ و جنرال حمیدگل، جواسیس افغان و پاکستانی و صحه گذاری لشکر مزدور شان (طالبان) با نقض حریم سازمان ملل متحد، رئیس جمهور اسبق دوکتور نجیب الله را با تهدید و زور و بشکل اختطاف از آن دفتر خارج و در يك نمایش از قبل پلان شده، مورد تحقیر و توهین قرار داده و بعد از شکنجه و تعذیب، با توحش و بربریت قرون وسطایی همراه با برادرش احمدزی بقتل می‌رسانند.

این جنایت هولناک ضد بشری نقض خشن تمام ارزشهای حقوق بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای ناشی از آن، کنوانسیون منع شکنجه و تعذیب و منجمله "کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی و مامورین دیپلوماتیک" میباشد.

این جنایت علیه بشریت بمثابة يك فاجعه حقوق بشر با انگیزه دشمنی سیاسی و تاریخی دولت متخاصم و متخالف پاکستان بخاطر برداشتن موانع در مسیر پروسه تضعیف و اشغال کامل افغانستان که با شروع جنگ اعلام ناشده انکشور در سال ۱۹۷۵ م و بر ضد نخستین جمهوریت ما آغاز و با صدور تنظیم های جهادی در اپریل ۱۹۹۲ م. زمینه های آن ایجاد و در وجود ملیشه های طالبان تکمیل

میگردید.

این سازماندهی مستقیم و جنایت هیأت موظف دولت پاکستان آشکارا يك " تروریسم دولتی " و بزرگترین توهین بجامعه بین المللی و به آدرس سازمان ملل متحد پنداشته میشود .

اکنون و بعد از دو دهه و دوسال چگونه میتوان این خاموشی و سکوت سازمان ملل متحد را توجیه کرد ؟

جلالتماب محترم،

تداوم این سکوت صاف و ساده به مفهوم انقیاد و صحنه گذاری بر اعمال شنیع و جنایت ضد بشری

تروریستان شیریر و تروریسم دولتی پاکستان میباشد !!!

در حالیکه مسئولیت اخلاقی و تعهد سازمان ملل متحد در قبال زندگی و حیات رئیس جمهور دوکتور

نجیب الله اظهر من الشمس است ، میتوان اذعان داشت که متاسفانه هیچگونه حسن نیت و مساعی

جمیله که بارها مسوولان سازمان ملل متحد و جناب داکتر پطروس غالی مدعی آن بودند ، اعمال

نگریده است .

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا بمتابه يك نهاد مسلکی و يك شخصیت حقوقی رسی مستقل و غیر

وابسته به احزاب سیاسی موضوع را :

- بمتابه داعیه ملی افغانستان ،

- بحیث تجاوز بر حریم سازمان ملل متحد،

- تجاوز بر تمام ارزشهای قبول شده حقوق بین المللی،

- تجاوز بر افغانستان و شئون ملی افغانان

مطرح و از جلالتماب شما متقاضی ایم تا :

کمیسون حقیقت یاب بین المللی و بیطرف را ایجاد فرمایند تا بر اساس نتایج هیأت تحقیق شورای

امنیت سازمان ملل متحد جنایتکاران و حامیان پس پرده ایشان را معرفی و به محاکمه کشانیده شوند .

در تمام هفده سال حضور جامعه جهانی در افغانستان و انفاذ قانون اساسی و سر و صدا در مورد

برابری حقوق افغانان ، درمورد رئیس جمهور دوکتور نجیب اله تبعیض صورت گرفته و با لطایف

الحیل از داعیه بر حق مردم کنار رفته اند .

## پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

---

انجمن با مراجعه بخانواده دوکتور نجیب اله شهید و مردم حق شناس افغانستان متمنی است تا از این دایه بر حق ملی افغانستان با اقدامات عملی حمایت فرمایند .

با تجدید احترامات فائقه

از نام هیأت اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

میر عبد الواحد سادات

رئیس انجمن

## open letter to the UN secretary

30 september 2018

Excellency,

While extending our cordial esteems and best wishes, we kindly invite your attention to the following:

On 27<sup>th</sup> of September this year, 22 years elapse since the planned invasion of the Pakistani hired group on the UN compound in Kabul, which was carried on in contradiction with all accepted principles of the International Law, and as a gross and unbridled storm against the territorial integrity, independence and national sovereignty of Afghanistan.

On that black night, the adversary and hostile state of Pakistan, in collusion with its international supporters, could take a serious revenge from the Afghan freedom-lovers to compensate its historical failures in designing its invasion on the eastern gates of Afghanistan and other failed conspiracies and coup d'états.

The designated team of the Pakistani government, composed of generals and high-level army and ISI officers, including general Aslam Beg and general Hamid Gul, the Afghan and Pakistani spies, and with the endorsement of its mercenary army – the Taliban, blatantly breached the inviolability of the UN office and forcefully abducted the former president of Afghanistan Dr.



Najibullah from that office, and brutally subjected him to humiliation and inhumane insulting in a pre-planned scenario, and murdered him and his brother Ahmadzai after torturing and tormenting them in a manner of medieval barbarism. This inhumane and horrible crime was a gruesome violation of, and in a gross contradiction with all values of the International Law, the Universal Declaration of Human Rights and conventions emanated therefrom, the Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, and Convention against Punishment of Persons under International and Diplomatic Protection.

The motive behind this inhumane crime and human tragedy was the political and historical enmity of Pakistan aiming at the removal of hurdles from the way of weakening and the eventual complete occupation of Afghanistan that started with the undeclared war of that country against the first republic of our country in 1975, continued with the exportation of the Jihadi groups in 1992, and completed with the creation of the Taliban militia. This crime of the designated delegation of the Pakistani government is regarded an explicit “state terrorism” and a clear insult of the international community and the United Nations.

How the silence of the United Nations Organization can be justified after the past two decades and two years?

Excellency,

The continuation of this silence simply means a subjugation and endorsement of the horrid acts and inhuman crimes of the villain terrorists and the state terrorism of Pakistan.

While the moral responsibility and the commitment of the UN toward the life of President Dr. Najibullah is brighter than the sun, unfortunately, however, it can be claimed that no good intention and good offices which were, time and again, asserted by the officials of the United Nations and His Excellency Dr. Boutros Boutros Ghali, were never exerted.

The Afghan Lawyers' Association in Europe, as a professional entity and as an official legal personality which is independent and non-affiliated to political parties, looks at the issue as:

- A national cause of Afghanistan;
- A breach of the inviolability of the United Nations' compound;
- A violation of all the accepted principles of International Law;
- An invasion of Afghanistan and the national values of Afghans;

And calls upon Your Excellency to:

Create an international and unbiased fact-finding commission, so that, based on the findings of the investigation delegation of the UN Security Council, the criminals are identified and brought before the court.

During the entire 17-year presence of the international community in Afghanistan, the adoption of the constitution and tumults about the equality

of rights of Afghans, Dr. Najibullah has been discriminated and kept away from the national cause of the people.

The Association approaches the family of the Martyr Dr .Najibullah and the justice-supporting people of Afghanistan to stand behind this fair national cause of the people of Afghanistan and support it with their effective efforts.

With kind regards,

The Leadership Board of Association

Mir Abdul Wahid Sadat, President of Association.

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله خارجی است، تصفیه حساب قدرتهای رقیب در اوج جنگ سرد که کشور ما بحیث نطع آن قربان گردید و تداوم کشمکش های جیوپولوتیک رقبای بین المللی و منطقه بی و جنگ های نیابتی، در دور جدید بازبهای بزرگ، جنگ خانمانسوز را تداوم بخشیده است

درین راستا و یک بخش اساسی از عامل دوام مصیبت و کشتار، همانا ادامه جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد که از (۱۹۷۵ م) با تجهیز و تسلیح و فرستادن گروه های خرابکار بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان آغاز یافته و درین چهل و دو سال به اشکال متفاوت جریان دارد

پاکستان از گروه های تروریستی بمتابه ابزار دستیابی به اهداف بلند مدت سیاست خارجی خود استفاده مینماید، تا عمق ستراتیژیک را بدست آورند و پلانهای جنرال ضیا الحق مبنی بر «مرگ با هزار زخم» و «کابل باید بسوزد» را ورای همین امیال مطرح نموده است

در احوال کنونی افزون بر طالبان، تا بیست گروه تروریستی و شرارت پیشه، بشمول داعش که در افغانستان فعال میباشند، مورد حمایه استخبارات آنکشور قرار دارند.